journal of Value & Behavioral Accounting 10.52547/aapc.6.11.123

The Impact of Cognitive Learning Strategies on The Auditor's Neutrality (A Test of self-(regulatory Learning Strategies Theory

Reza Nemati koshteli*
Assistant Professor, Department of Accounting, islamshahr Branch, Islamic Azad University, islamshahr, Iran (Corresponding Author), nematikoshteli20@yahoo.com

Abstract:

Cognitive learning strategies are an integrated and engaging approach that helps individuals acquire the skills to select, set goals, replace Strategies, and function effectively through psychological activities. The purpose of this study was to investigate the effect of cognitive learning strategies using Pintrich and DeGroot self-regulated learning strategies on the Auditor's neutrality. Learning Strategies in this way include rehearsal learning strategies, Elaboration, organization, planning, Monitoring, and Regulating. The statistical sample of the research consisted of 521 auditors working in the auditing institutes of the Iranian Society of Certified Auditors and the audit organization located in the geographical area of Tehran in 2020 and were selected by a simple random sampling method. A descriptive Survey method and a standard Questionnaire instrument have been used in this research. Also, research hypotheses were-tested by modeling structural equations using PLS software. Research findings show that cognitive learning strategies have a positive and significant effect on auditor neutrality. Also, cognitive learning strategies of Rehearsal and Elaboration, planning, Regulating, organization, and Monitoring have the greatest impact on the auditor's neutrality variable, respectively. The results of this research can lead to the expansion of topics related to decision making and judgment in auditing and finally to improve audit quality

Keywords: Auditor Judgment, Neutrality, Cognitive Learning Strategies, Pintrich, and DeGroot Method.

Copyrights:
This license only allowing others to download your works and share them with others as long as they credit you, but they can't change them in any way or use them commercial.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

مقاله پژوهشی

dor: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7

دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری- سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صفحه ۱۲۳-۱۵۸

تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی بر بی طرفی حسابرس: آزمون نظریه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی

رضا نعمتی کشتلی*[۱]

تاریخ دریافت:۹۹/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۸

چکیده

راهبردهای یادگیری شناختی، یک رویکرد یکپارچه و تمایلی است که به افراد کمک می‌کند تا از طریق فعالیت‌های روانی مهارت‌های انتخاب، تنظیم اهداف، جایگزینی استراتژی‌ها و کارکرد اثربخش آن‌ها را کسب کنند. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی به روش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت بر بی‌طرفی حسابرس می‌باشد. راهبردهای یادگیری به روش مزبور شامل راهبردهای یادگیری تمرین ذهنی، توسعه معنایی، سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، کنترل و نظارت و نظم‌دهی است. نمونه آماری پژوهش شامل ۵۲۱ نفر حسابرسانی است که در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران واقع در محدوده جغرافیای تهران در سال ۱۳۹۹ فعالیت می‌کنند و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. از روش توصیفی- پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه استاندارد در این پژوهش استفاده شده است. همچنین، فرضیه‌های تحقیق از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری با به‌کارگیری نرم افزار PLS، مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که راهبردهای یادگیری شناختی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معنادار دارند. همچنین راهبردهای یادگیری شناختی تمرین ذهنی، توسعه معنایی، برنامه‌ریزی، نظم‌دهی، سازمان‌دهی و کنترل و نظارت به ترتیب بیشترین تأثیر را بر روی متغیر بی‌طرفی حسابرس دارند. نتایج این تحقیق می‌تواند موجب بسط و گسترش موضوعات مرتبط با تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی و نهایتاً ارتقا کیفیت حسابرسی گردد.

واژه‌های کلیدی: قضاوت حسابرس، بی‌طرفی، راهبردهای یادگیری شناختی، روش پینتریچ و دیگروت

[۱]استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران
nematikoshteli20@yahoo.com

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]

[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

۱-مقدمه

در دنیای امروز برای ارتقا مهارت‌ها و کسب دانش جدید، افراد باید به شکل هوشمندانه بخشی از انرژی جسمی، عاطفی و شناختی خود را صرف یادگیری کنند. از این رو یکی از مولفه‌های کلیدی در عملکرد افراد، آگاهی و شناخت در زمینه راهبردهای یادگیری است (اورمتزر و همکاران، ۲۰۲۰). آشنایی با راهبردهای یادگیری شناختی[1] با در نظر گرفتن عوامل مربوط به محیط‌های یادگیری به افراد کمک می‌کند تا استراتژی‌های خود را در پردازش اطلاعات و تصمیم-گیری گسترش دهند و این امر موجب اتخاذ تصمیمات مفید و کاهش اشتباهات می‌گردد (زیدنی و همکاران، ۲۰۲۰).

تحقیقات رفتاری در حوزه حسابرسی نشان می‌دهد، تأثیر عوامل روان‌شناختی حسابرسان در ارزیابی بی‌طرفانه شواهد و اتخاذ تصمیم‌گیری مناسب و قضاوت حرفه‌ای آنان موضوعی بسیار با اهمیت است. به طوری‌که صورت‌های مالی حسابرسی شده با کیفیت بالا، به‌عنوان یکی از اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی درنظر گرفته می‌شود و می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهد (چانگ و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین نقش اصلی حسابرسی در جامعه، اعتباربخشی به گزارش‌های مالی شرکت‌ها و حصول اطمینان از ارائه منصفانه صورت‌های مالی می‌باشد. لذا انتظار می‌رود حسابرسان از صلاحیت فنی و راهبردهای شناختی لازم برای رسیدگی‌ها برخوردار باشند تا جامعه بتواند از اظهارنظر بی‌طرفانه آنان اطمینان حاصل نماید. به دلیل آن‌که تمام مراحل حسابرسی با قضاوت همراه است، بی‌طرفی به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی قضاوت حرفه‌ای، در حسابرسی صورت‌های مالی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند (گلوور و پراویت، ۲۰۱۴). مکچی (۱۹۷۸)، بیان می‌کند که تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان تحت تأثیر تفاوت‌های روان‌شناختی فردی قرار می‌گیرد. به طوری‌که راهبردهای یادگیری حسابرسان و نحوه پردازش اطلاعات در حسابرسی موضوع بسیار مهم تلقی می‌گردد (بالکر، ۲۰۰۰).

پژوهش‌ها درخصوص راهبردهای یادگیری شناختی در دو دهه اخیر، در داخل ایران گسترش یافته است. بسیاری از این پژوهش‌ها، تأثیر مثبت راهبردهای یادگیری بر عملکرد افراد را نشان می‌دهد. در این پژوهش‌ها از روش‌های مختلف روانشناسی برای کشف رابطه بین راهبردهای یادگیری و عملکرد افراد استفاده شده است (سعیدی‌پور و میرمعینی، ۱۳۹۳). برخی تحقیقات، همبستگی راهبردهای یادگیری با رفتار اطلاع‌جویی و پیآمدهای تصمیم‌گیری را مورد بررسی قرار داده‌اند (کوارویی و همکاران، ۱۳۹۴). در واقع تفاوت افراد در توانایی‌شان، در یادگیری و

[1] Cognitive Learning Strategies

تصمیم‌گیری تأثیرگذار است. اگرچه مقیاس و نظم‌دهی شناخت، بر عملکرد حسابرس به شکل مستقل مؤثر است (سهرابی جهرمی، ۱۳۹۰). از این‌رو، افراد مهارت‌های خود را به دلیل راهبردهای یادگیری متفاوت به روش‌های مختلفی می‌آموزند. بنابراین، نقش راهبردهای یادگیری افراد به عنوان روش‌های کارکرد شناختی، در قالب یک عنصر واسط بین اطلاعات و تصمیم‌گیری مهم می‌باشد. بدین شکل که، تأثیر راهبردهای یادگیری بر قلمرو فکری افراد انکارناپذیر است (وینشتاین و مایر، ۱۹۸۶؛ داف، ۲۰۰۴). لذا ضرورت نیاز به حسابرسان ماهر با برخورداری از راهبردهای شناختی مناسب جهت اخذ تصمیمات عاری از جانبداری و اظهارنظر بی‌طرفانه به‌منظور افزایش اعتماد عمومی جامعه نسبت به عملکرد صحیح حرفه حسابرسی، بیش از گذشته احساس می‌شود (ریورینک، ۲۰۱۸).

هدف این تحقیق بررسی تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی حسابرسان به روش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت بر بی‌طرفی حسابرس است. با توجه به توسعه بازار حسابرسی و ضرورت توانمندسازی روان‌شناختی حسابرسان نسبت به بهبود تصمیم‌گیری و ارتقا کیفیت حسابرسی، توجه به راهبردهای یادگیری از جنبه روان‌شناختی در حرفه حسابرسی بسیار حائز اهمیت است. طبق بررسی‌های انجام شده پژوهشی، تاکنون تحقیقی در ایران به این حوزه مطالعاتی نپرداخته است. دوم این‌که، شواهد پژوهش نشان می‌دهد که کدام نوع راهبرد یادگیری بیشترین تأثیر را بر بی‌طرفی حسابرس دارد که برآیند آن، می‌تواند به عنوان اطلاعات مفید در اختیار خط‌مشی‌گذاران حرفه حسابرسی قرار گیرد. سوم این‌که، نتایج یافته‌ها می‌تواند درک بهتری از نوع و ویژگی‌های راهبردهای یادگیری در اختیار خوانندگان قرار دهد. چهارم این‌که، نتایج این تحقیق می‌تواند ایده‌های جدیدی را در حوزه حسابرسی رفتاری پیشنهاد نماید. لذا مبانی نظری و پیشینه تحقیق، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

یکی از مولفه‌های اساسی در قضاوت حرفه‌ای حسابرس، موضوع بی‌طرفی[1] است. هنگامی بی-طرفی حسابرس قابل دفاع و اثبات می‌باشد که اظهارنظر او فاقد جانبداری بوده، عاری از تضاد منافع باشد و در معرض نفوذ قابل ملاحظه دیگران نیز قرار نگرفته باشد تا خدشه‌ای بر قضاوت حرفه‌ای حسابرس وارد نشود. موضوع بی‌طرفی و استقلال حسابرس امری ضروری برای حرفه حسابرسی تلقی می‌شود و بدون در نظر گرفتن آن‌ها، تحقق اهداف حرفه میسر نخواهد شد. بنابراین، حسابرس باید از لحاظ مالی و همچنین از منظر فکری از واحد مورد رسیدگی مستقل

[1] Neutrality

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

باشد (فودوروا، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، جهت‌گیری جهانی استفاده از استانداردهای حسابداری بین‌المللی و اتخاذ رویکرد مبتنی بر مفاهیم در تدوین استانداردهای مزبور می‌باشد. همچنین رویکرد ایران نیز، حرکت به سمت تدوین استانداردهای حسابداری مبتنی بر مفاهیم و بهره‌گیری از استانداردهای حسابداری بین‌المللی است. بنابراین، قضاوت حرفه‌ای به عنوان شالوده حرفه حسابداری و حسابرسی، در به‌کارگیری این استانداردها امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. لذا رعایت بی‌طرفی حسابرس، نشان می‌دهد قضاوت حرفه‌ای او جهت‌دار و جانبدارانه نیست (حسینی و رسولی، ۱۳۹۸).

از این‌رو، هر اندازه قضاوت حسابرسان بر پایه آگاهی‌های شناختی بالا و به دور از هرگونه تعصب و سوگیری بر مبنای اصول و استانداردهای حرفه‌ای باشد، قابلیت اتکا گزارش‌های حسابرسی بیشتر می‌شود (بالکر، ۲۰۰۰). در واقع، حسابرسان بر اساس پردازش مناسب اطلاعات بر پایه راهبردهای یادگیری و ویژگی‌های روان‌شناختی خود، به تصمیم‌گیری بی‌طرفانه و قضاوت حرفه‌ای می‌پردازند. هر چقدر فرایند پردازش و ارزیابی مناسب اطلاعات بیشتر باشد، می‌توان به قضاوت حرفه‌ای مطلوب‌تری دست یافت (براسل و همکاران، ۲۰۱۹). لذا میزان کیفیت بالای قضاوت حرفه‌ای حسابرس، بر اعتبار و عملکرد حرفه حسابرسی تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. از این رو عوامل شخصیتی، محیطی و شغلی مهمترین سازه‌های تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری و قضاوت حسابرس هستند که در این میان، نحوه پردازش اطلاعات و ارزیابی شواهد توسط حسابرس به عنوان یکی از عوامل مهم شخصیتی مؤثر بر جلوگیری از هرگونه سوگیری در قضاوت و تصمیم-گیری تلقی می‌گردد. بنابراین، توجه به راهبردهای شناختی حسابرسان جهت توانمندسازی روان-شناختی آنان در راستای جمع‌آوری شواهد کافی و پردازش دقیق اطلاعات، برای قضاوت حرفه‌ای باکیفیت ضروری می‌باشد (رسلان، ۲۰۱۷).

- **راهبردهای یادگیری شناختی و ویژگی‌های آن**

یادگیری یکی از پیچیده‌ترین و با اهمیت‌ترین مقوله در حوزه روان شنا سی تلقی می شود که تعریف آن به سهولت مي سر نيست. به هر حال، تعاریف مختلفی از یادگیری به دلیل اهمیت آن ارائه شده است که بهترین تعریف از یادگیری عبارت است از رویکرد برقراری تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری افراد به واسطه تجربه (هانت و الیس، ۲۰۰۳). در گذشته تصور بر این بود که مهارت‌های فرد در یادگیری، تابعی از میزان هوش و استعدادهای فردی اوست. اما امروزه علاوه بر نقش مهم عوامل ذاتی در یادگیری افراد، تأثیر کیفیت و چگونگی یادگیری افراد در تفاوت میزان یادگیری آنان در حوزه روان‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است (کوارویی و همکاران، ۱۳۹۴).

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

روانشناسان یادگیری اعتقاد دارند که تعامل عوامل شناختی و عاطفی افراد، نقش اساسی در فرایند یادگیری ایفا می‌کند (اورمتزر و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، گسترش رویکرد شناختی[1] در حوزه روانشناسی موجب توجه روانشناسان به موضوع شناخت و فرایندهای ذهنی در رویکرد یادگیری شده است. تفسیر فعالیت‌های پیچیده شناختی مانند درک و فهم مطلب، یادآوری و راهبردهای یادگیری به عنوان هدف اصلی نظریه‌های شناختی در یادگیری است. امروزه موضوع راهبردهای یادگیری، در روانشناسی شناختی به‌طور قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. نقطه عطف تمرکز بر راهبردهای یادگیری از زمانی بوده که راهبردهای یادگیری شناختی جایگزین رویکرد رفتاری[2] در روانشناسی شده است. نحوه چگونگی پردازش اطلاعات ورودی در راهبردهای یادگیری شناختی مورد تاکید است. در حالی که در رویکردهای رفتاری اعتقاد بر این است که واکنش و رفتارهای ارگانیزم، تحت تأثیر نوع برخوردهای محیط قرار می‌گیرد و رخدادها بین محرک و پاسخ می‌باشد (وینشتاین و هیوم، ۱۹۹۸).

راهبردهای یادگیری[3]، شیوه‌هایی هستند که بر اساس آن اشخاص می‌توانند مطالب را درک، برای موضوعات تفکر، اطلاعات را در ذهن ذخیره و برای حل مسأله پاسخ مناسب ارائه کنند (سیف، ۱۳۹۰). راهبردهای یادگیری در قالب یک رویکرد شناختی، به افراد جهت دستیابی به اهداف خاص درک مسائل و تفسیر رویدادها یاری می‌رساند، به طوری که این راهبردها از لحاظ زمان و کارایی با یکدیگر متفاوت هستند (وینشتاین و هیوم، ۱۹۹۸). راهبردهای یادگیری به‌عنوان مهارت‌ها و خصوصیات افراد و رویکرد پایدار آن‌ها بـر ایجاد گروه‌ها، روابط اجتماعی و شیوه‌های مدیریت تأثیرگذار هستند. این راهبردها بر این موضوع که فرد چگونه درباره وقایع پیرامون خـود تصمیم‌گیری می‌کند، اثر می‌گذارد (آندرسون، ۲۰۰۲؛ راینر و رایدینگ، ۱۹۹۷).

راهبردهای یادگیری شناختی در حوزه روان‌شناختی، راهبردهای یادآوری و یادگیری هستند. این راهبردها به افراد کمک می‌کند که علاوه بر ترکیب اطلاعات جدید با آموخته‌های قبلی، زمینه انباشت این اطلاعات در حافظه بلندمدت فراهم گردد. راهبردهای شناختی به منظور هدایت یادگیری‌ها، در جهت اعمال نظارت بر آموخته‌ها به‌کار گرفته می‌شود. بنابراین افراد در به‌کارگیری راهبردهای یادگیری شناختی، از یادگیری‌های خود بهره کافی می‌برند. از این جهت که تعیین اهداف یادگیری و ارزشیابی آن، از مصادیق این راهبرد تلقی می‌شود (لفرانکویس، ۱۹۹۷). اصطلاح شناخت در راهبردهای یادگیری شناختی نیز، نشان دهنده آگاهی و شناخت فرد نسبت به فرایندهای ذهنی و مهارت تنظیم این فرایند است (دمبو، ۲۰۰۲). در نظریه یادگیری

[1] Cognitive Approach
[2] Behaivoral Approach
[3] Learning Strategies

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

خبرپردازی[1]، یادگیری و یادآوری دو واژه نزدیک به‌هم هستند. اما یادگیری مفهومی فراتر از یادآوری محض است. بر اساس این نظریه، راهبردهای یادگیری شناختی به عنوان فرایند دریافت واسطه‌های پیرامون از طریق حواس، عبور این واسطه‌ها از حافظه کوتاه‌مدت و حسی و انباشت آن در حافظه بلندمدت تفسیر می‌گردد (آنتونانزاس و لورنته ، ۲۰۱۷). در راهبردهای یادگیری شناختی، نظم‌دهی و راهبری یادگیری‌ها بسیار حائز اهمیت است. برخی محققین این دسته راهبردها را اندیشه‌ای برای انتخاب عاقلانه روش‌های مناسب، اصلاح اشتباهات، لزوم تغیر راهبردها، نظارت بر اثربخشی آن‌ها و جایگزینی آن‌ها با راهبردهای جدید تفسیر می‌کنند (لفرانکویس، ۱۹۹۷).

بین راهبردهای یادگیری شناختی و سبک‌های شناختی[2] افراد، تفاوت اساسی وجود دارد. سبک‌های شناختی، رفتارها و طرح‌های ذهنی منظمی هستند که به راه‌حل مسأله می‌پردازند و بر پایه توانایی‌های اولیه فرد بنا می‌شوند. در حالی که راهبردهای یادگیری شناختی به شکل حرکتی هدفمند به منظور آسان‌سازی، تعمیق، تثبیت و یادآوری یادگیری‌های فرد مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع، سبک‌های شناختی به شکل توانایی‌های نهفته بالقوه هستند که از فردی به فرد دیگر متغیر می‌باشند (چن و همکاران، ۲۰۱۵). راهبردهای یادگیری شناختی، به توانمندی فردی و اولویت‌هایی اشاره دارد که نحوه درک، گردآوری و پردازش اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما بنیاد سبک‌های شناختی به عنوان رجحان‌های فردی متفاوت، ساختار یافته از نظم و تجربه است (مارگونایاسا و همکاران ، ۲۰۱۹).

از این‌رو راهبردهای یادگیری، جهت‌گیری هدفمند[3] هستند. این راهبردها به افراد کمک می‌کند تا به‌وسیله آن، میزان یادگیری و کارایی خود را افزایش دهند. لذا، روانشناسان شناختی به دلیل ارتباط متقابل و تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی بر عملکرد افراد، توجه به این راهبردها را تأکید می‌کنند (دمبو، ۲۰۰۲). از سوی دیگر، فراگیری دانش فنی از طریق راهبردهای یادگیری شناختی بر کیفیت حسابرسی تأثیرگذار است. بنابراین، کسب دانش جدید و ارتقا مهارت‌ها به‌واسطه راهبردهای یادگیری مناسب بر نحوه پردازش و جمع‌آوری اطلاعات و همچنین بر ارزیابی بی‌طرفانه شواهد حسابرسی تأثیر مثبت دارد (شو و همکاران، ۲۰۱۶).

[1] News Learning Theory
[2] Cognitive Stayles
[3] Purposeful Orientation

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

- **نظریه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی**

در خودتنظیمی[1]، به یادگیرنده کمک می‌شود تا مهارت‌های اصلی مانند انتخاب، اهداف، جایگزینی راهبردها و کنترل اثربخش آن‌ها را کسب نماید. به همین دلیل، خودتنظیمی فرایندی تمایل‌گرایانه تلقی می‌گردد (فن، ۲۰۱۰). در واقع، خودتنظیمی به شکل کوشش‌های روانی در کنترل فرایندها، کارکردها و وضعیت درونی فرد جهت دستیابی به اهداف بالاتر تفسیر می‌شود.

در واقع، تأثیر و نقش فرد در مراحل مختلف یادگیری، در راهبردهای یادگیری خود تنظیمی[2] مورد تأکید می‌باشد که به کمک آن افراد به صورت پویا و مستمر آگاهی‌ها، تلاش‌ها و رفتارهای خود را به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر راهبری می‌کنند (فرال و همکاران، ۲۰۰۹). نظریه یادگیری خودتنظیمی توسط پینتریچ و دیگروت (۱۹۹۰) مطرح شده است و برآیند این نوع یادگیری را، راهبردهای شناختی تشکیل می‌دهد. راهبردهای شناختی جهت سهولت یادگیری و ذخیره‌سازی آموخته‌ها در حافظه بلندمدت افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نظریه یادگیری خودتنظیمی، افراد قادر خواهند بود فرایندهای شناختی را درک و آن‌ها را کنترل و نظارت کنند (کول و همکاران، ۲۰۱۱). ویژگی‌هایی مانند نوآوری فردی و مهارت بر یادگیری هدف، از مشخصه‌های اصلی یادگیرنده‌های خودتنظیمی تلقی می‌شود. باید توجه نمود، احساسات و رفتارهای فرد که به سمت اهداف بالاتر گرایش دارند، کلید خودتنظیمی افکار افراد است (لینز، ۲۰۱۱). طبق نظریه یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت (۱۹۹۰)، راهبردهای یادگیری شناختی افراد به شش دسته اساسی زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

(۱) راهبرد تمرین ذهنی[3]: در این راهبرد، افراد در زمینه‌هایی مانند مکررخوانی، تکرار مطالب کلیدی، مکررنویسی، خط کشیدن زیر متن، علامت‌گذاری و حاشیه‌نویسی مطالب فعال هستند.

(۲) راهبرد توسعه معنایی[4]: در این راهبرد، فعالیت‌های افراد در زمینه‌هایی مانند خلاصه کردن مطالب به زبان خود، تصویرسازی ذهنی، به‌کار گرفتن مطالب آموخته شده و آموزش آن به سایرین و تحلیل روابط مطالب پیچیده است.

(۳) راهبرد سازمان‌دهی[5]: در این راهبرد، فعالیت‌های افراد شامل طبقه‌بندی اطلاعات جدید، تبدیل متن مطالب به طرح، تهیه فهرست عناوین، به‌کارگیری طرح درختی برای خلاصه

---

[1] Self-Regulated
[2] Self-regulated Learning Strategies
[3] Rehearsal Strategy
[4] Elaboration Strategy
[5] Organization Strategy

کردن مطالب و نمایش روابط بین آن‌ها و استفاده از نمودارها برای تفسیر مطالب دشوار می‌باشد.

(۴) راهبرد برنامه‌ریزی[1]: در این راهبرد افراد در جستجوی تعیین اهدف مطالعه، تعیین سرعت و پیش‌بینی زمان مورد نیاز برای مطالعه و تحلیل نحوه مواجهه با موضوع آموخته شده هستند.

(۵) راهبرد کنترل و نظارت[2]: این راهبرد، به ارزشیابی میزان پیشرفت و نظارت افراد در توجه به‌هنگام بررسی‌ها و مطالعه اشاره دارد.

(۶) راهبرد نظم‌دهی[3]: در این راهبرد، تعدیل سرعت فراگیری افراد و نیاز به تغییر راهبرد شناختی آنان مورد تأکید قرار می‌گیرد (الیس و هانت، ۲۰۰۳؛ کول و همکاران، ۲۰۱۱).

در واقع این راهبردها علاوه بر تقویت یادگیری افراد، فرصت‌هایی را برای آنان فراهم می‌کند تا اهداف، خود کنترلی، ارزشیابی و خود انگیزشی را در خود به شکل فعال مدیریت کنند. نظریه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی تأکید می‌کند که یادگیری‌های افراد باید با استفاده از باورهای شناختی، رفتاری و انگیزشی کنترل و راهبری شود (فرال و همکاران، ۲۰۰۹).

با بررسی متون مرتبط در حوزه‌های حسابداری و حسابرسی، مطالعاتی که تاکنون صورت پذیرفته به بررسی هر عامل به‌طور مجزا پرداخته‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

ویلر (۲۰۰۵)، در تحقیقی تأثیر راهبردهای یادگیری بر عملکرد و رفتار اطلاع‌جویی افراد را بررسی نمود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که راهبردهای یادگیری به افراد کمک می‌کند تا اطلاعات جدید را با ترکیب اطلاعات قدیم در حافظه بلندمدت انباشت کنند. لذا افرادی که دانش خود را بیش از اندازه برآورد می‌کنند، به جستجوی اطلاعات کمتری مشغول می‌شوند و تصمیم-گیری‌های خود را در بستر اطلاعات ناکافی اتخاذ می‌کنند. بنابراین راهبردهای یادگیری بر عملکرد افراد و رفتار اطلاع‌جویی آنان تأثیرگذار می‌باشد.

کنت و همکاران (۲۰۰۶)، در تحقیقی خصوصیات روان‌شناختی خبرگان جهت قضاوت حسابرسی را بررسی نمودند و بیان داشتند که بررسی مشاهدات پنجاه و پنج حسابرس در سه شرکت حسابداری ملی استرالیا نشان می‌دهد، اهمیت هر یک از خصوصیات روان‌شناختی پیشنهادی شانتیو در هر چهار مرحله متفاوت است. اما کلیه خصوصیات روان‌شناختی در چهار مرحله حسابرسی با اهمیت هستند.

---

[1] Planning Strategy
[2] Monitoring Strategy
[3] Regulating Strategy

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

آنتونانزاس و لورنته (۲۰۱۷)، در تحقیقی رابطه بین راهبردهای یادگیری و ظرفیت‌های شناختی در افراد را بررسی نمودند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین توانایی‌های شناختی و روش‌های مطالعه در بین افراد، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

استرومبک و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی تأثیر ویژگی‌های فردی مانند خودکنترلی بر رفتار افراد را بررسی نمودند و به این نتیجه دست یافتند که خصوصیات مثبت روان‌شناسی افراد موجب اخذ تصمیمات بی‌طرفانه می‌شود. همچنین، عکس‌العمل‌های احساسی افراد، توانایی آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های مناسب و قضاوت حرفه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تانگ و همکاران (۲۰۱۹)، در تحقیقی خودکارامدی مالی و اثر تمایل در سرمایه‌گذاران با توجه به نقش میانجی راهبردهای شناختی را بررسی نمودند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین راهبرد شناختی انطباق‌یابنده و خودکارآمدی مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. لذا، راهبرد شناختی انطباق‌یابنده به عنوان یک متغیرمیانجی بین خودکارآمدی مالی و اثر تصمیم عمل می‌کند.

زیدنی و همکاران (۲۰۲۰)، در تحقیقی تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی از طریق تجربه را بررسی نمودند و بیان داشتند که عوامل مربوط به محیط‌های یادگیری مانند فراهم بودن همکاری فعال، تقویت اعتماد و برقراری عدالت در قالب ساختارهای انعطاف‌پذیر بر راهبردهای یادگیری شناختی افراد تأثیر دارد.

اورمتزر و همکاران (۲۰۲۰)، در تحقیقی تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی برای تغییر، جهت ساختن اقتصاد پایدار را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که راهبردهای یادگیری شناختی با ترکیب عوامل جدیدی مانند ارتباطات، مشارکت و پیآمد ارزش‌های شخصی تأثیر مهمی در دانش تحولی برای ساختن اقتصاد پایدار دارد.

شکری و همکاران (۱۳۸۵)، در تحقیقی همبستگی راهبردهای یادگیری و سبک‌های تفکر با موفقیت تحصیلی دانشجویان را بررسی نمودند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سبک‌های تفکر محافظه‌کار، اجرایی و جزیی‌نگر با راهبرد یادگیری سطحی ارتباط معنی‌دار و مثبت دارد و این نوع سبک‌ها و راهبرد یادگیری با موفقیت تحصیلی دانشجویان ارتباط معنی‌دار و منفی دارد. اما سبک‌های تفکر قضایی، آزاداندیش و قانونی با راهبرد یادگیری کامل ارتباط معنی‌دار و مثبت دارد و این نوع سبک‌ها و راهبرد یادگیری نیز با موفقیت تحصیلی دانشجویان ارتباط معنی‌دار و مثبت دارد.

کواروبی و همکاران (۱۳۹۴)، رابطه راهبردهای یادگیری با رفتار اطلاع‌جویی را بررسی نمودند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بین راهبردهای یادگیری و رفتار اطلاع‌جویی اعضای هیأت علمی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود ندارد.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

حیدر و نیکومرام (۱۳۹۷)، به بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر و تردید حرفه‌ای حسابرس پرداختند و بیان داشتند که سبک‌های تفکر محافظه‌کار، جزیی‌نگر و کلی‌نگر با تردید حرفه‌ای رابطه معنی‌دار ندارد. اما سبک‌های تفکر درون‌نگر، برون‌نگر، آزاد اندیش، قضاوت‌گر و اجرایی با تردید حرفه‌ای رابطه مثبت و معنی‌دار دارد.

مرادی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی رابطه توانمندسازی روان‌شناختی بر کم گزارش‌دهی زمان کار حسابرسی را بررسی نمودند و بیان داشتند که ابعاد شایستگی، خودمحوری و معنی‌دار بودن بر کم گزارش‌دهی زمان کار حسابرسی تأثیر منفی و معنی‌دار دارد. بنابراین هر اندازه مهارت‌های روان‌شناختی حسابرسان بر نتایج عملکرد حسابرسی تأثیر مثبت داشته باشد، این امر نقش مهمی در اعتلای حرفه حسابرسی خواهد داشت.

امانی و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی عوامل روان‌شناختی عواطف فردی حسابرسان و تردید حرفه‌ای آنان پرداختند و بیان داشتند که میان عواطف منفی حسابرسان با تردید حرفه‌ای رابطه منفی و معنی‌دار و میان عواطف مثبت آنان و تردید حرفه‌ای رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

پیکرنگار قلعه‌رودخانی و همکاران (۱۳۹۹)، در تحقیقی سبک‌های تفکر و بی‌طرفی حسابرس را بررسی نمودند و بیان داشتند که سبک‌های قضاوت‌گر، سلسله مراتبی، تک‌سالاری، قانون‌گذارانه و کلی‌نگر با بی‌طرفی حسابرسان رابطه‌ای ندارند. اما سبک‌های تفکر محافظه‌کار، آزاد اندیش، درون‌نگر، برون‌نگر و اجرایی با بی‌طرفی حسابرسان رابطه مثبت و معنی‌دار دارند.

با توجه به بررسی پیشینه پژوهش، مطالعات اندکی در زمینه راهبردهای یادگیری شناختی در حسابرسی و همچنین تأثیر آن بر بی‌طرفی حسابرس انجام شده است. لذا، شناسایی نظریه‌ها و مدل‌های مرتبط با موضوع این پژوهش به عنوان مهمترین دستاورد نوآورانه این تحقیق تلقی می‌شود که می‌تواند به گسترش ادبیات نظری حسابرسی در سطح راهبردهای یادگیری مؤثر واقع گردد و زمینه گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در قلمرو قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را فراهم نماید.

۳- فرضیه‌های پژوهش

حسابرسان بر اساس پردازش مناسب اطلاعات به قضاوت حرفه‌ای می‌پردازند. لذا، هر اندازه پردازش اطلاعات و ارزیابی شواهد در بستر راهبردهای یادگیری شناختی مناسب به شکل دقیق‌تر انجام گیرد، قضاوت حرفه‌ای حسابرس با کیفیت‌تر خواهد شد. بنابراین، تفاوت‌های فردی حسابرسان مانند راهبردهای یادگیری شناختی بر تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه و قضاوت حرفه‌ای حسابرس تأثیرگذار می‌باشد (بالکر، ۲۰۰۰). نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که راهبردهای یادگیری افراد بر درک این فرایند که کدام اطلاعات برای تصمیم‌گیری مهم و یا نامربوط هستند، تأثیرگذار است. بنابراین، راهبردهای یادگیری و سبک‌های شناختی در تأثیر اطلاعات بر عملکرد

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

افراد تأثیرگذارمی‌باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۵). تحقیقات رفتاری در حسابرسی بر این نکته تأکید دارند که رفتار اطلاع‌جویی و قضاوت در فرایند حسابرسی، بر روند جستجوی هدفمند اطلاعات تأکید می‌کند. لذا، حسابرسان می‌توانند دانش خود را به‌واسطه استفاده از راهبردهای یادگیری بر پایه باورهای شناختی، انگیزشی، رفتاری و خودکنترلی سازمان‌دهی کنند و از این طریق عملکرد خود را با اجتناب از سوگیری‌های مثبت یا منفی در عقاید ارتقا دهند (پینکاس، ۱۹۹۰). از این‌رو، در این پژوهش انتظار بر این است که راهبردهای یادگیری شناختی حسابرسان به روش یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت (۱۹۹۰) بر بی‌طرفی حسابرس تأثیرگذار باشد و موجب بهبود قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابرسی گردد. با توجه به این شواهد، فرضیه اصلی مورد بررسی در این پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اصلی: راهبردهای یادگیری شناختی به روش یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد.

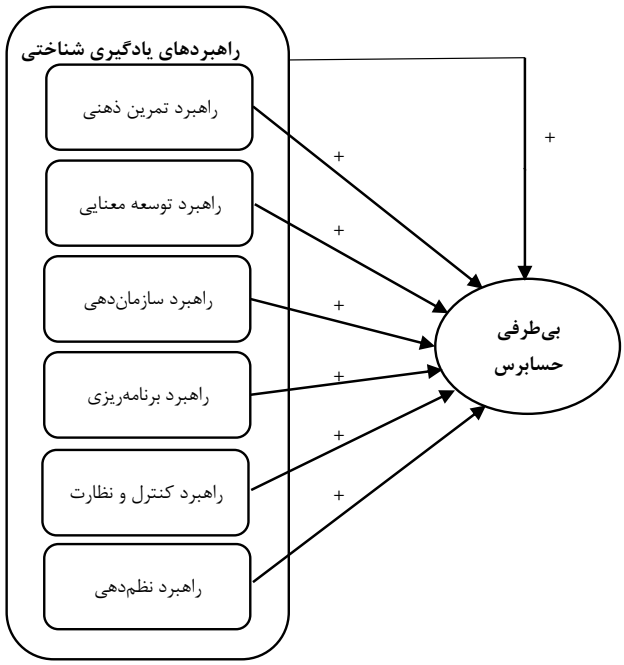
برگر و کارابنیک (۲۰۱۱)، در تحقیقی به این نتیجه دست یافتند که توانایی یادگیری افراد در راهبرد یادگیری سازمان‌دهی نسبت به سایر ابعاد راهبردهای یادگیری خودتنظیمی بیشتر است. همچنین برای این‌که راهبردهای یادگیری روی باورهای انگیزشی تأثیرگذار باشد، به زمان بیشتری نیاز است. در پژوهش ات و همکاران (۱۹۹۰)، رابطه بین راهبردهای شناختی و عملکرد با استفاده از تکالیف واحد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که بین راهبردهای شناختی و آموزش حسابداری در تحقیقاتی که از تکالیف متعدد استفاده شده است، نوعی اثر متقابل و تعاملی وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که حسابرسان کارهایی را انجام می‌دهند که بر حسب فرایندهای شناختی، بسیار متفاوت هستند. لذا، وجود رابطه معنی‌دار بین ویژگی‌های شناختی رفتاری حسابرسان و نوع کار آن‌ها، تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را ارتقا می‌دهد (فولر و کاپلان، ۲۰۰۴). نتایج برخی از تحقیقات نیز نشان می‌دهد که تعیین نوع راهبرد یادگیری مناسب، توانایی و مهارت حسابرس در جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه شواهد حسابرسی را افزایش می‌دهد. بنابراین، این راهبردها می‌توانند کیفیت حسابرسی را از طریق قابلیت اتکا بالای شواهد جمع‌آوری شده پشتوانه اظهارنظر حسابرس، افزایش دهند (رسلان و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین در تحقیق مارگونایاسا و همکاران (۲۰۱۹)، تأثیر راهبردهای یادگیری هدایت شده بر موفقیت تحصیلی دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق آن‌ها نیز نشان می‌دهد که بین دانشجویانی که با راهبردهای یادگیری هدایت شده و دانشجویانی که با راهبردهای یادگیری معمولی آموخته‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به این شواهد و با تأکید بر ابعاد راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، فرضیه‌های فرعی مورد بررسی در این پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

فرضیه فرعی اول: راهبرد تمرین ذهنی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد.
فرضیه فرعی دوم: راهبرد توسعه معنایی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد.
فرضیه فرعی سوم: راهبرد سازمان‌دهی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد.
فرضیه فرعی چهارم: راهبرد برنامه‌ریزی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد.
فرضیه فرعی پنجم: راهبرد کنترل و نظارت بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد.
فرضیه فرعی ششم: راهبرد نظم‌دهی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد.

با توجه به اهداف و فرضیه‌های این پژوهش، مدل مفهومی در شکل ۱ ارائه شده است:

شکل ۱: شمای کلی مدل مفهومی پژوهش (محقق ساخته)



۴- روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی- پیمایشی است. با توجه به هدف نیز، از نوع تحقیقات کاربردی تلقی می‌شود و نتایج آن را می‌توان در عمل به‌کار گرفت و در راستای ارتقا و بهبود کیفیت فرایند عملیات حسابرسی مورد استفاده قرار داد. از لحاظ نوع داده، این تحقیق کمی و بر حسب زمان اجرای پژوهش، تحقیق مزبور مقطعی است. ابزار کار پژوهش حاضر پرسش‌نامه می‌باشد. قلمرو زمانی تحقیق نیمه نخست سال ۱۳۹۹ می‌باشد. جامعه آماری این

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

تحقیق، کلیه حسابرسانی است که در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران واقع در محدوده جغرافیای تهران در سال ۱۳۹۹ فعالیت می‌کنند که با توجه به تعداد نامحدود و عدم دسترسی به آمار دقیق آن‌ها، از روش مشخص کردن حجم نمونه در مدل‌سازی معادلات ساختاری برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است. این روش در قالب دو مرحله شامل الگوی اندازه‌گیری و الگوی ساختاری به آزمون الگو می‌پردازد که اعتبار و روایی ابزارهای اندازه‌گیری را به‌واسطه الگوی اندازه‌گیری و فرضیه‌ها را نیز از طریق الگوی ساختاری آزمون می‌کند (چاین، ۱۹۹۸). به دلیل آن‌که روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، تشابه زیادی با بعضی از ویژگی‌های رگرسیون چند متغیری دارد، لذا از قواعد این روش برای تعیین حجم نمونه در مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. بر اساس این روش، تعیین حجم نمونه باید برای هر متغیر اندازه‌گیری شده بین ۵ تا ۱۵ ($5q<=n<=15q$) مشاهده باشد که در این‌صورت q تعداد متغیرهای مشاهده شده و n حجم نمونه می‌باشد (هومن، ۱۳۹۵). با توجه به تعداد سوال (گویه) های پرسش‌نامه که ۲۷ گویه می‌باشد، طبق اصول مدل‌یابی معادلات ساختاری حداقل به تعداد (۲۷×۵) ۱۳۵ نمونه نیاز می‌باشد. به منظور تعمیم‌پذیری بهتر و دقیق نتایج تحقیق به جامعه آماری نامحدود پژوهش، تعداد ۶۰۰ پرسش‌نامه توزیع گردید که از تعداد ۵۵۷ پرسش‌نامه دریافت شده، ۵۲۱ پرسش‌نامه قابل استفاده تشخیص و مورد استفاده قرار گرفت. همچنین از روش نمونه‌گیری احتمالی (تصادفی) ساده به‌منظور انتخاب آزمودنی‌ها بهره‌گیری شده است.

در این پژوهش "بی‌طرفی حسابرس" به عنوان متغیر وابسته است. بی‌طرفی، به این شکل تحلیل می‌شود که حسابرسان نباید در باورها و عقاید خود سوگیری کنند و جهت‌گیری مثبت یا منفی در نگرش خود نداشته باشند (فودوروا، ۲۰۱۳). برای اندازه‌گیری متغیر بی‌طرفی حسابرس از پرسش‌نامه اسونبرگ و اوهمن (۲۰۱۷) استفاده شده است. این پرسش‌نامه بر اساس انتخاب آزمودنی از طریق علامت زدن یک عدد در دامنه اعداد ۱ تا ۱۰ می‌باشد. لذا، ارزیابی حسابرس درخصوص آن‌که مبلغ بدهی نباید ثبت شود از شماره ۱ احتمال خیلی کم تا شماره ۱۰ احتمال خیلی زیاد را نشان می‌دهد که نحوه امتیازدهی معکوس می‌باشد. یعنی فردی که عدد ۱ را انتخاب نموده است، مقدار ۱۰ به آن اختصاص می‌یابد. لازم به ذکر است در تحقیق انجام شده توسط پیکرنگار قلعه‌رودخانی و همکاران (۱۳۹۹)، روایی پرسش‌نامه اسونبرگ و اوهمن (۲۰۱۷) توسط متخصصین و اساتید آشنا به موضوع مورد تأیید قرار گرفته است و پایایی پرسش‌نامه نیز با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ بالاتر از مقدار ۰/۷ می‌باشد که نشان می‌دهد اعتبار پرسش‌نامه قابل قبول است.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

"راهبردهای یادگیری شناختی" نیز به عنوان متغیر مستقل می‌باشد. این راهبردها، استراتژی-های یادآوری و یادگیری هستند که زمینه انباشت اطلاعات در حافظه بلندمدت و پردازش و ارزیابی مناسب شواهد را فراهم می‌کنند (لفرانکویس، ۱۹۹۷). برای اندازه‌گیری متغیر راهبردهای یادگیری شناختی از پرسش‌نامه راهبردهای یادگیری شناختی پینتریچ و دیگروت (۱۹۹۰) استفاده شده است. این پرسش‌نامه با ۲۶ گویه به سنجش شش راهبرد یادگیری تمرین ذهنی (۴ گویه)، توسعه معنایی (۶ گویه)، سازمان‌دهی (۴ گویه)، برنامه‌ریزی (۵ گویه)، کنترل و نظارت (۵ گویه) و نظم‌دهی (۲ گویه) با طیف پنج درجه‌ای لیکرت از تماماً ناسازگار تا تماماً سازگار مرتب شده است.

در پژوهش انجام شده توسط عابدی و همکاران (۱۳۹۴)، روایی پرسش‌نامه راهبردهای یادگیری شناختی پینتریچ و دیگروت (۱۹۹۰) توسط متخصصین و اساتید آشنا به موضوع مورد تأیید قرار گرفته است و پایایی پرسش‌نامه نیز با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها بالاتر از مقدار ۰/۷ می‌باشد که نشان می‌دهد اعتبار پرسش‌نامه در حد قابل قبول است.

جدول ۱: متغیرها و تعداد سوال (گویه) های تحقیق

متغیرها	عنوان متغیر	تعداد گویه‌ها	منبع گویه‌ها
وابسته	بی‌طرفی حسابرس	۱	پرسش‌نامه اسونبرگ و اوهمن (۲۰۱۷)
مستقل	راهبرد یادگیری تمرین ذهنی	۴	پرسش‌نامه راهبردهای یادگیری شناختی پینتریچ و دیگروت (۱۹۹۰)
	راهبرد یادگیری توسعه معنایی	۶	
	راهبرد یادگیری سازمان‌دهی	۴	
	راهبرد یادگیری برنامه‌ریزی	۵	
	راهبرد یادگیری کنترل و نظارت	۵	
	راهبرد یادگیری نظم‌دهی	۲	

۵- یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، مشخصه‌های جمعیت‌شناسی نشان می-دهد از مجموع نمونه آماری این تحقیق که ۵۲۱ نفر هستند، تعداد ۱۴۲ نفر زن و بقیه مرد می‌باشند. سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌ها شامل ۴۲ درصد کارشناسی، ۵۲ درصد کارشناسی ارشد و ۶ درصد دکتری است. سابقه کار حرفه‌ای ۴۱ درصد مشاهدات کمتر از ۱۰ سال، ۳۱ درصد بین ۱۰ الی ۲۰ سال و ۲۸ درصد آن‌ها بیشتر از ۲۰ سال می‌باشد. همچنین رده سازمانی پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌ها ۲۵ درصد حسابرس، ۳۳ درصد حسابرس ارشد، ۳۱ درصد سرپرست و ۱۱ درصد بقیه دربرگیرنده سرپرست ارشد، مدیر و شریک می‌باشند. بررسی شواهد نمونه آماری تحقیق نشان می‌دهد که بیش از ۷۳ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد هستند.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

به دلیل آن‌که حرفه حسابرسی با توجه به ماهیت کار، حرفه‌ای مردسالار است، لذا چنین توزیعی منطقی به نظر می‌رسد.

جدول ۲: مشخصه‌های جمعیت‌شناسی نمونه تحقیق

سازه	گروه	مشاهدات	درصد
جنسیت	مرد	۳۷۹	۷۲/۷۴
	زن	۱۴۲	۲۷/۲۶
سطح تحصیلات	کارشناسی	۲۲۱	۴۲/۴۲
	کارشناسی ارشد	۲۷۱	۵۲/۰۱
	دکتری	۲۹	۵/۵۷
سابقه کار حرفه‌ای	کمتر از ۱۰ سال	۲۱۳	۴۰/۸۸
	بین ۱۰ الی ۲۰ سال	۱۶۴	۳۱/۴۸
	بیش از ۲۰ سال	۱۴۴	۲۷/۶۴
رده سازمانی	حسابرس	۱۲۹	۲۴/۷۶
	حسابرس ارشد	۱۷۴	۳۳/۴۰
	سرپرست	۱۵۹	۳۰/۵۲
	سرپرست ارشد، مدیر و شریک	۵۹	۱۱/۳۲
جمع		۵۲۱	۱۰۰

در جدول شماره ۳، برخی از شاخص‌ها مانند میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی برای متغیرهای کمی تحقیق محاسبه شده است. کمترین و بیشترین مقدار برای هر یک از متغیرهای راهبرد یادگیری به ترتیب ۱ و ۵ می‌باشد که میانگین هر یک از راهبردهای یادگیری تمرین ذهنی، توسعه معنایی، سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، کنترل و نظارت و نظم‌دهی به ترتیب ۳/۰۲، ۳/۰۵، ۳/۰۰، ۳/۰۳، ۲/۰۰ و ۳/۰۳ می‌باشد. همچنین کمترین و بیشترین مقدار برای متغیر بی‌طرفی حسابرس نیز به ترتیب ۱ و ۱۰ است که میانگین آن ۶/۷۲ می‌باشد.

جدول ۳: نتایج آماری مهمترین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی

متغیرهای تحقیق	مشاهدات	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
راهبرد یادگیری تمرین ذهنی	۵۲۱	۳/۰۲	۰/۷۲	۰/۰۱	-۰/۱۷
راهبرد یادگیری توسعه معنایی	۵۲۱	۳/۰۵	۰/۵۷	-۰/۰۲	-۰/۴۹
راهبرد یادگیری سازمان‌دهی	۵۲۱	۳/۰۰	۰/۴۸	۰/۰۵	۰/۰۱
راهبرد یادگیری برنامه‌ریزی	۵۲۱	۳/۰۳	۰/۴۶	۰/۰۶	-۰/۰۳
راهبرد یادگیری کنترل و نظارت	۵۲۱	۲/۰۰	۰/۴۵	-۰/۰۴	-۰/۴۸
راهبرد یادگیری نظم‌دهی	۵۲۱	۳/۰۳	۰/۴۱	۰/۰۲	-۰/۱۸
بی‌طرفی حسابرس	۵۲۱	۶/۷۲	۳/۲۰	-۰/۰۲	-۰/۵۳

نتایج بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کلموگوروف- اسمیرونوف در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در این جدول، مقدار معناداری

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

برای کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از (۰/۰۵) است. لذا، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود و توزیع داده‌ها برای متغیرهای تحقیق نرمال می‌باشد.

جدول ۴: نتایج آماری آزمون کولموگروف- اسمیرنوف

متغیرها	آماره آزمون	معناداری	نوع توزیع
راهبرد یادگیری تمرین ذهنی	۰/۵۱۹	۰/۶۹۷	نرمال
راهبرد یادگیری توسعه معنایی	۰/۴۱۱	۰/۶۵۸	نرمال
راهبرد یادگیری سازمان‌دهی	۰/۴۹۲	۰/۴۶۵	نرمال
راهبرد یادگیری برنامه‌ریزی	۰/۴۲۱	۰/۶۶۳	نرمال
راهبرد یادگیری کنترل و نظارت	۰/۴۶۶	۰/۶۷۹	نرمال
راهبرد یادگیری نظم‌دهی	۰/۵۰۲	۰/۶۹۱	نرمال
بی‌طرفی حسابرس	۰/۴۷۱	۰/۶۸۲	نرمال

از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از روش Smart PLS، مدل مفهومی تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. این آزمون شامل سه بخش برازش مدل اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش کلی مدل می‌باشد. لذا، صحت روابط موجود در مدل اندازه‌گیری با استفاده از معیارهای روایی و پایایی ارزیابی شده است. سرانجام روابط موجود در بخش ساختاری و برازش کلی مدل نیز، مورد بررسی قرار گرفته است.

در این تحقیق، از روایی محتوایی و سازه برای تعیین روایی پرسش‌نامه‌ها استفاده شده است. جهت بررسی روایی محتوایی، از فرم‌های نسبت روایی محتوایی[1] و شاخص روایی محتوا[2] در قالب یک روش دلفی و با کسب دیدگاه تخصصی ده نفر از خبرگان دانشگاهی و صاحب‌نظران حوزه حسابداری و حسابرسی استفاده گردید. با استفاده از فرم نسبت روایی محتوایی، در صورتی‌که مقدار نسبت روایی برای هر سوال پرسش‌نامه حداقل ۰/۶۲ باشد، سوال مربوطه مفید و ضروری می‌باشد. همچنین با به‌کارگیری فرم شاخص روایی محتوایی نیز، سوالات پرسش‌نامه‌ها از لحاظ ساده بودن، واضح بودن و مربوط بودن بررسی می‌شوند. لذا سوالاتی که ضریب آن‌ها بین ۰/۷ تا ۰/۷۹ باشد، اصلاح می‌شوند (هومن، ۱۳۹۵). مطابق جدول ۵ از آنجا که مقدار نسبت روایی محتوایی برای کلیه سوالات پرسش‌نامه بیشتر از ۰/۶۲ به‌دست آمد، لذا کلیه سوالات پرسش‌نامه برای تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. اما با به‌کارگیری فرم شاخص روایی محتوا، موجب شد تا برخی سوالات پرسش‌نامه‌ها از لحاظ ساده بودن، واضح بودن و مربوط بودن اصلاح شوند. سوالات اصلاح شده در برگیرنده سوالاتی بودند که ضریب آن‌ها کمتر از ۰/۷۹ بود.

[1] Content Validity Ratio
[2] Content Validity Index

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

جدول ۵: نتایج تحلیل عاملی تأییدی: بررسی روایی و پایایی سازه‌های تحقیق

سازه‌های تحقیق	مولفه/گویه‌ها	بارهای عاملی	آماره تی	آلفای کرونباخ (CA>۰/۷)	پایایی ترکیبی (CR>۰/۷)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE>۰/۵)
راهبردهای یادگیری شناختی	تمرین ذهنی	۰/۸۵۲	۶۳/۸۳۵	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۵۲
	توسعه معنایی	۰/۹۱۰	۱۱۴/۲۵۶			
	سازمان‌دهی	۰/۸۸۴	۹۲/۲۶۶			
	برنامه‌ریزی	۰/۷۸۱	۳۳/۳۷۷			
	کنترل و نظارت	۰/۷۵۱	۲۰/۸۹۷			
	نظم‌دهی	۰/۷۲۸	۲۴/۵۲۶			
راهبردهای یادگیری تمرین ذهنی	سوال ۱	۰/۸۰۱	۳۷/۴۳۸*	۰/۷۳	۰/۸۱	۰/۶۵
	سوال ۲	۰/۸۴۱	۷۰/۵۹۷*			
	سوال ۳	۰/۷۲۱	۵۲/۷۵۶*			
	سوال ۴	۰/۸۶۰	۲۵/۵۳۸*			
راهبردهای یادگیری توسعه معنایی	سوال ۵	۰/۸۰۳	۴۴/۰۶۰*	۰/۷۷	۰/۸۲	۰/۶۴
	سوال ۶	۰/۷۸۰	۳۷/۲۰۰*			
	سوال ۷	۰/۷۹۷	۳۲/۲۳۸*			
	سوال ۸	۰/۷۳۳	۲۴/۵۸۱*			
	سوال ۹	۰/۸۴۲	۵۹/۱۵۲*			
	سوال ۱۰	۰/۷۸۷	۴۴/۱۶۸*			
راهبردهای یادگیری سازمان‌دهی	سوال ۱۱	۰/۷۲۴	۳۳/۲۸۱*	۰/۷۲	۰/۸۰	۰/۵۹
	سوال ۱۲	۰/۸۴۸	۵۹/۷۸۳*			
	سوال ۱۳	۰/۶۴۳	۱۵/۲۱۵*			
	سوال ۱۴	۰/۸۳۰	۵۰/۴۰۱*			
راهبردهای یادگیری برنامه‌ریزی	سوال ۱۵	۰/۶۰۲	۱۲/۲۳۵*	۰/۷۸	۰/۸۶	۰/۶۳
	سوال ۱۶	۰/۷۳۳	۲۳/۳۹۸*			
	سوال ۱۷	۰/۷۸۴	۳۶/۸۲۴*			
	سوال ۱۸	۰/۷۲۵	۲۳/۵۸۹*			
	سوال ۱۹	۰/۴۹۴	۸/۳۰۳*			
راهبردهای یادگیری کنترل و نظارت	سوال ۲۰	۰/۷۶۲	۳۵/۰۴۸*	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۵۹
	سوال ۲۱	۰/۷۵۶	۲۴/۲۴۵*			
	سوال ۲۲	۰/۷۷۱	۳۱/۱۹۵*			
	سوال ۲۳	۰/۷۵۹	۳۰/۵۴۳*			
	سوال ۲۴	۰/۷۶۶	۴۲/۷۵۵*			
راهبردهای یادگیری نظم‌دهی	سوال ۲۵	۰/۸۵۸	۵۰/۸۰۷*	۰/۸۰	۰/۸۱	۰/۶۵
	سوال ۲۶	۰/۸۶۲	۳۹/۱۲۳*			
بی‌طرفی حسابرس	سوال ۲۷	۱/۰۰	-	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

روایی سازه، یکی از مهمترین مقیاس‌های محاسبه روایی تلقی می‌گردد. بررسی رابطه همگرایی نشانگرها با سازه با برخورداری از بارعاملی بالا، به‌واسطه عامل تأییدی مشخص می‌شود که این موضوع در روایی سازه بررسی می‌گردد. مدل‌سازی معادلات ساختاری از دو بخش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری تشکیل شده است. متغیرهای مدل در دو دسته متغیرهای پنهان و آشکار تقسیم‌بندی می‌شوند که متغیرهای پنهان نیز در سطوح مختلف به‌کار برده می‌شوند. بخش مدل اندازه‌گیری شامل سؤالات (شاخص‌ها) هر بعد همراه با آن بعد است و روابط میان سؤالات و ابعاد در این بخش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بخش مدل‌ساختاری نیز، حاوی تمامی سازه‌های مطرح در مدل اصلی پژوهش است و میزان همبستگی سازه‌ها و روابط میان آن‌ها در این قسمت مورد توجه قرار می‌گیرد (هومن، ۱۳۹۵). برای برازش مدل از شاخص‌های بارهای عاملی، آماره تی، آلفای کرونباخ (CA) ، پایایی ترکیبی (CR)[1] و میانگین واریانس استخراج شده (AVE)[2] استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

به دلیل آن‌که طبق نتایج به‌دست آمده، ضرایب معناداری تمام بارهای عاملی یعنی T-Value در یافته‌های تحقیق بزرگ‌تر از ۲/۵۸ است. این موضوع نشان می‌دهد که تمامی بارهای عاملی با اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. از آنجا که برای کلیه سازه‌های تحقیق آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۷، پایایی ترکیبی بیشتر از ۰/۷ و میانگین واریانس استخراج شده نیز بزرگ‌تر از ۰/۵ است، لذا روایی همگرا تأیید می‌شود.

همچنین از آزمون فورنل و لارکر برای بررسی روایی واگرا در این تحقیق استفاده شد. از طریق آزمون فورنل و لارکر، میزان تفاوت بین شاخص‌های یک سازه با شاخص‌های سازه‌های دیگر در مدل مقایسه می‌شود. این‌کار از طریق مقایسه جذر میانگین واریانس استخراج شده هر سازه با مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها محاسبه می‌گردد. در صورتی‌که سازه‌ها با شاخص‌های مربوط به خود همبستگی بیشتری داشته باشند تا با سازه‌های دیگر، روایی واگرا تأیید می‌شود (هومن، ۱۳۹۵). برای این‌کار یک ماتریس باید تشکیل داد که مقادیر قطر اصلی ماتریس جذر ضرایب میانگین واریانس استخراج شده هر سازه می‌باشد و مقادیر پایین قطر اصلی ضرایب همبستگی بین هر سازه با سازه‌های دیگر است. این ماتریس در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

[1] Composite Reliability
[2] Average Variance Extracted

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

جدول ۶: نتایج ضرایب روایی و پایایی خرده مقیاس‌های پرسش‌نامه‌های تحقیق

سازه‌ها	MSV	ASV	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
راهبرد تمرین ذهنی	۰/۴۱	۰/۲۷	۰/۸۱	-	-	-	-	-	-
راهبرد توسعه معنایی	۰/۴۳	۰/۳۲	۰/۵۴	۰/۸۰	-	-	-	-	-
راهبرد سازمان‌دهی	۰/۴۰	۰/۲۹	۰/۴۷	۰/۵۲	۰/۷۷	-	-	-	-
راهبرد برنامه‌ریزی	۰/۳۷	۰/۳۳	۰/۳۸	۰/۴۴	۰/۳۶	۰/۷۹	-	-	-
راهبرد کنترل و نظارت	۰/۲۸	۰/۲۵	۰/۴۸	۰/۵۳	۰/۴۴	۰/۵۱	/۷۷۰	-	-
راهبرد نظم‌دهی	۰/۳۲	۰/۲۸	۰/۳۶	۰/۴۱	۰/۳۲	۰/۳۹	/۴۰۰	/۸۱۰	-
بی‌طرفی حسابرس	۰/۱۴	۰/۲۹	۰/۴۲	۰/۲۹	۰/۳۷	۰/۴۱	/۳۹۰	/۳۶۰	۱

از آنجا که میانگین واریانس استخراج شده خرده مقیاس‌ها بیشتر از حداکثر واریانس مربع به اشتراک گذاشته شده (MSV<AVE[1])، میانگین واریانس استخراج شده بیشتر از میانگین واریانس مربع مشترک (ASV<AVE[2]) می‌باشد و همچنین جذر میانگین واریانس استخراج شده هر سازه نیز از ضرایب همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر بیشتر شده است، لذا روایی واگرا نیز تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

به منظور آزمون فرضیه‌های فرعی اول تا ششم این تحقیق، ابتدا همبستگی بین راهبردهای یادگیری شناختی به روش یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت و بی‌طرفی حسابرس مورد بررسی قرار گرفت. لذا، برای تعیین ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. طبق اطلاعات مندرج در جدول شماره ۷، علامت ** نشان‌دهنده وجود رابطه (همبستگی) بین متغیرهای پژوهش در سطح ۰/۰۱ است. بنابراین، راهبرد یادگیری تمرین ذهنی به میزان (۰/۸۸۳) با بی‌طرفی حسابرس رابطه مثبت دارد و با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری آزمون از مقدار (۰/۰۵)، می‌توان بیان نمود که رابطه فوق معنادار است. راهبرد یادگیری توسعه معنایی به میزان (۰/۸۵۲) با بی‌طرفی حسابرس رابطه مثبت دارد و با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری آزمون از مقدار (۰/۰۵)، می‌توان بیان نمود که رابطه فوق معنادار است. راهبرد یادگیری سازمان‌دهی به میزان (۰/۷۳۸) با بی‌طرفی حسابرس رابطه

[1] Maximum Shared Squared Variance
[2] Average Shared Squared Variance

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

مثبت دارد و با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری آزمون از مقدار (۰/۰۵)، می‌توان بیان نمود که رابطه فوق معنادار است. راهبرد یادگیری برنامه‌ریزی به میزان (۰/۷۸۳) با بی‌طرفی حسابرس رابطه مثبت دارد و با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری آزمون از مقدار (۰/۰۵)، می‌توان بیان نمود که رابطه فوق معنادار است. راهبرد یادگیری کنترل و نظارت به میزان (۰/۷۰۱) با بی‌طرفی حسابرس رابطه مثبت دارد و با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری آزمون از مقدار (۰/۰۵)، می‌توان بیان نمود که رابطه فوق معنادار است. همچنین، راهبرد یادگیری نظم‌دهی به میزان (۰/۷۵۵) با بی‌طرفی حسابرس رابطه مثبت دارد و با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری آزمون از مقدار (۰/۰۵)، می‌توان بیان نمود که رابطه فوق نیز معنادار می‌باشد.

جدول ۷: ماتریس همبستگی پیرسون

متغیرهای تحقیق		تمرین ذهنی	توسعه معنایی	سازمان‌دهی	برنامه‌ریزی	کنترل و نظارت	نظم‌دهی
بی‌طرفی حسابرس	همبستگی	۰/۸۸۳**	۰/۸۵۲**	۰/۷۳۸**	۰/۷۸۳**	۰/۷۰۱**	۰/۷۵۵**
	Sig.	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰

($P < ۰/۰۵$ * و $P < ۰/۰۱$**)

در ادامه، با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری تأییدی، تأثیرگذاری راهبردهای یادگیری شناختی به روش یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت بر بی‌طرفی حسابرس مورد بررسی قرار گرفت. لذا نمودار مسیر برازش به شرح ادامه به‌دست آمد.

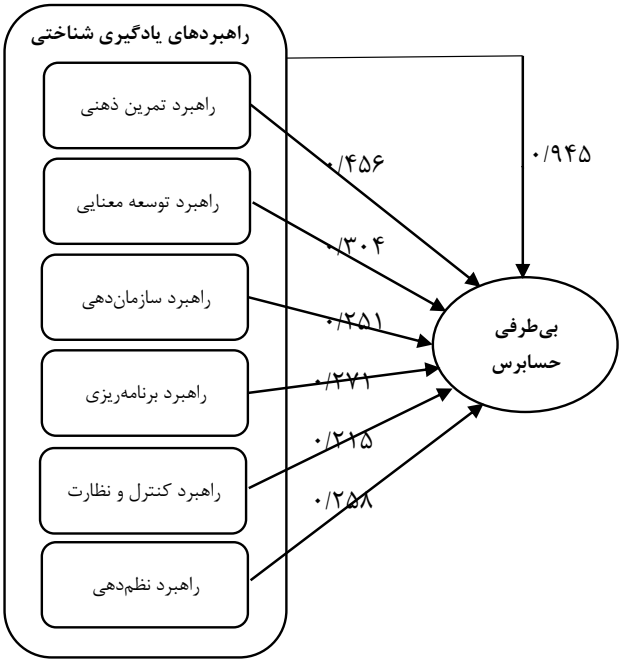
در آزمون فرضیه‌های تحقیق، ضرایب مسیر بیانگر میزان تأثیر راهبردهای یادگیری تمرین ذهنی، توسعه معنایی، سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، کنترل و نظارت و نظم‌دهی بر روی متغیر بی-طرفی حسابرس است. اگر مقدار قدر مطلق آماره T-Value مربوط به آن ضریب مسیر بزرگ‌تر از ۱/۹۶ باشد، بیانگر معناداری آن است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در حالت استاندارد و معناداری در شکل‌های ۲ و ۳ ارائه شده است.

در آزمون فرضیه فرعی اول، راهبرد یادگیری تمرین ذهنی، تأثیر مثبت (۰/۴۵۶) بر بی‌طرفی حسابرس دارد. به عبارتی، با هر واحد تغییر در این راهبرد، متغیر بی‌طرفی حسابرس به میزان (۰/۴۵۶) واحد و هم‌جهت با این راهبرد تغییر می‌کند. همچنین این تأثیر از نظر آماری نیز معنادار می‌باشد، زیرا آماره T-Value برابر ۴۹/۹۰۷ است که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد. بنابراین، فرضیه فرعی اول که بیانگر تأثیر متغیر راهبرد یادگیری تمرین ذهنی بر بی‌طرفی حسابرس است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. یعنی، هرچقدر راهبرد یادگیری

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

تمرین ذهنی افزایش یابد، کیفیت قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه حسابرس نیز افزایش می‌یابد.

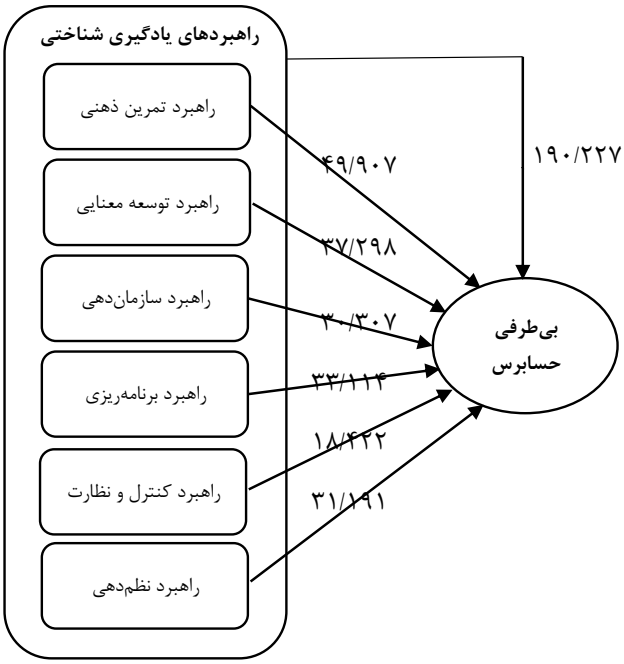
شکل ۲: مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده



در آزمون فرضیه فرعی دوم، راهبرد یادگیری توسعه معنایی، تأثیر مثبت (۰/۳۰۴) بر بی‌طرفی حسابرس دارد. به عبارتی، با هر واحد تغییر در این راهبرد، متغیر بی‌طرفی حسابرس به میزان (۰/۳۰۴) واحد و هم‌جهت با این راهبرد تغییر می‌کند. همچنین، این تأثیر از نظر آماری نیز معنادار می‌باشد، زیرا آماره T-Value برابر ۳۷/۲۹۸ است که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد. بنابراین فرضیه فرعی دوم که بیانگر تأثیر متغیر راهبرد یادگیری توسعه معنایی بر بی‌طرفی حسابرس است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. یعنی، هرچقدر راهبرد یادگیری توسعه معنایی افزایش یابد، کیفیت قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه حسابرس نیز افزایش می‌یابد.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

شکل ۳: مدل پژوهش در حالت معناداری (مقدار تی)



در آزمون فرضیه فرعی سوم، راهبرد یادگیری سازمان‌دهی، تأثیر مثبت (۰/۲۵۱) بر بی‌طرفی حسابرس دارد. به عبارتی، با هر واحد تغییر در این راهبرد، متغیر بی‌طرفی حسابرس به میزان (۰/۲۵۱) واحد و هم‌جهت با راهبرد یادگیری سازمان‌دهی تغییر می‌کند. همچنین، این تأثیر از نظر آماری نیز معنادار می‌باشد، زیرا آماره T-Value برابر ۳۰/۳۰۷ است که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد. بنابراین، فرضیه فرعی سوم که بیانگر تأثیر متغیر راهبرد یادگیری سازمان-دهی بر بی‌طرفی حسابرس است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. یعنی، هرچقدر راهبرد یادگیری سازمان‌دهی افزایش یابد، کیفیت قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه حسابرس نیز افزایش می‌یابد.

در آزمون فرضیه فرعی چهارم، راهبرد یادگیری برنامه‌ریزی، تأثیر مثبت (۰/۲۷۱) بر بی‌طرفی حسابرس دارد. به عبارتی، با هر واحد تغییر در این راهبرد، متغیر بی‌طرفی حسابرس به میزان (۰/۲۷۱) واحد و هم‌جهت با راهبرد یادگیری برنامه‌ریزی تغییر می‌کند. همچنین، این تأثیر از نظر آماری نیز معنادار می‌باشد، زیرا آماره T-Value برابر ۳۳/۱۱۴ است که این میزان از مقدار

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

۱/۹۶ بیشتر می‌باشد. بنابراین، فرضیه فرعی چهارم که بیانگر تأثیر متغیر راهبرد یادگیری برنامه-ریزی بر بی‌طرفی حسابرس است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. یعنی، هرچقدر راهبرد یادگیری برنامه‌ریزی افزایش یابد، کیفیت قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه حسابرس نیز افزایش می‌یابد.

در آزمون فرضیه فرعی پنجم، راهبرد یادگیری کنترل و نظارت، تأثیر مثبت (۰/۲۱۵) بر بی‌طرفی حسابرس دارد. به عبارتی، با هر واحد تغییر در این راهبرد، متغیر بی‌طرفی حسابرس به میزان (۰/۲۱۵) واحد و هم‌جهت با راهبرد یادگیری کنترل و نظارت تغییر می‌کند. این تأثیر از نظر آماری نیز معنادار می‌باشد، زیرا آماره T-Value برابر ۱۸/۴۲۲ است که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد. بنابراین، فرضیه فرعی پنجم که بیانگر تأثیر متغیر راهبرد یادگیری کنترل و نظارت بر بی‌طرفی حسابرس است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. یعنی، هرچقدر راهبرد یادگیری کنترل و نظارت افزایش یابد، کیفیت قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری‌های بی-طرفانه حسابرس افزایش می‌یابد.

در آزمون فرضیه فرعی ششم، راهبرد یادگیری نظم‌دهی تأثیر مثبت (۰/۲۵۸) بر بی‌طرفی حسابرس دارد. به عبارتی، با هر واحد تغییر در این راهبرد، متغیر بی‌طرفی حسابرس به میزان (۰/۲۵۸) واحد و هم‌جهت با راهبرد یادگیری نظم‌دهی تغییر می‌کند. همچنین، این تأثیر از نظر آماری نیز معنادار می‌باشد، زیرا آماره T-Value برابر ۳۱/۱۹۱ است که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد. بنابراین، فرضیه فرعی ششم که بیانگر تأثیر متغیر راهبرد یادگیری نظم‌دهی بر بی‌طرفی حسابرس است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. یعنی، هرچقدر راهبرد یادگیری نظم‌دهی افزایش یابد، کیفیت قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه حسابرس نیز افزایش خواهد یافت.

برازش مدل ساختاری و کلی

معیار بررسی برازش مدل ساختاری، ضرایب R^2 و شاخص Q^2 مربوط به متغیرهای مکنون درون‌زا (وابسته) مدل است. R^2 معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد. این معیار نشان می‌دهد چند درصد از تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود. لذا سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به ترتیب به عنوان ملاکی برای R^2 ضعیف، متوسط و قوی معرفی می‌شود. از سوی دیگر، شاخص Q^2 معیار قدرت پیش‌بینی مدل را تعیین می‌کند و در صورتی‌که مقدار آن درخصوص یک سازه درون‌زا به ترتیب ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ باشد، نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه با سازه‌های مربوط به آن است (هومن، ۱۳۹۵).

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

جدول ۸: نتایج برازندگی مدل ساختاری و کلی تحقیق

متغیرهای پیش‌بین (مستقل)	متغیر ملاک (وابسته)	شاخص R^2	شاخص Q^2	GoF
راهبردهای یادگیری شناختی	طرفی حسابرس‌بی	۰/۸۹۴	۰/۸۷۴	۰/۷۶۸
راهبرد تمرین ذهنی				
راهبرد توسعه معنایی				
راهبرد سازمان‌دهی		۰/۹۹۴	۰/۹۶۸	
راهبرد برنامه‌ریزی				
راهبرد کنترل و نظارت				
راهبرد نظم‌دهی				

همان‌طور که در جدول شماره ۸ ملاحظه می‌شود، کلیه مقادیر R^2 برای متغیرهای مکنون درون‌زا از مقدار ۰/۶۷ بزرگ‌تر است که نشان‌دهنده شاخص R^2 در حد قوی می‌باشد و مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌کند. شاخص Q^2 برای متغیرهای مکنون درون‌زا نیز از مقدار ۰/۳۵ بزرگ‌تر است که نشان می‌دهد این شاخص در حد قوی می‌باشد و قدرت پیش‌بینی مدل را تأیید می‌کند.

همچنین، برای بررسی برازش مدل کلی تحقیق از معیار نیکویی برازش (GOF) استفاده شد. لذا سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است (هومن، ۱۳۹۵). از آنجا که شاخص نیکویی برازش (GOF) در این تحقیق مقدار ۰/۷۶۸ به‌دست آمد و از مقدار ۰/۳۶ نیز بزرگ‌تر است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برازش مدل کلی تحقیق قوی (مناسب) است. یعنی، تمامی شاخص‌ها دارای کفایت آماری بوده و همخوانی الگوی مفهومی پژوهش با داده‌های جمع‌آوری شده مورد تأیید می‌باشد.

نتایج ضرایب مسیر و آماره t به‌دست آمده از یافته‌های تحقیق، وجود تأثیر هر شش راهبرد یادگیری شناختی به روش یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت بر بی‌طرفی حسابرس را در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌کند که خلاصه نتایج در جدول شماره ۹ ارائه شده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که راهبرد یادگیری شناختی به روش یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر دارند. لذا، با توجه به ضرایب مسیر در آزمون فرضیه‌های پژوهش راهبردهای یادگیری شناختی تمرین ذهنی، توسعه معنایی، برنامه‌ریزی، نظم‌دهی، سازمان‌دهی و کنترل و نظارت به ترتیب بیشترین تأثیر را بر روی متغیر بی‌طرفی حسابرس دارند.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

جدول ۹: نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه	عنوان فرضیه‌ها	ضریب مسیر	آماره T	نتیجه
اصلی	تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی بر بی‌طرفی حسابرس	۰/۹۴۵	۱۹۰/۲۲۷	تایید
فرعی اول	تأثیر راهبرد یادگیری تمرین ذهنی بر بی‌طرفی حسابرس	۰/۴۵۶	۴۹/۹۰۷	تایید
فرعی دوم	تأثیر راهبرد یادگیری توسعه معنایی بر بی‌طرفی حسابرس	۰/۳۰۴	۳۷/۲۹۸	تایید
فرعی سوم	تأثیر راهبرد یادگیری سازمان‌دهی بر بی‌طرفی حسابرس	۰/۲۵۱	۳۰/۳۰۷	تایید
فرعی چهارم	تأثیر راهبرد یادگیری برنامه‌ریزی بر بی‌طرفی حسابرس	۰/۲۷۱	۳۳/۱۱۴	تایید
فرعی پنجم	تأثیر راهبرد یادگیری کنترل و نظارت بربی‌طرفی حسابرس	۰/۲۱۵	۱۸/۴۲۲	تایید
فرعی ششم	تأثیر راهبرد یادگیری نظم‌دهی بر بی‌طرفی حسابرس	۰/۲۵۸	۳۱/۱۹۱	تایید

۶- نتیجه‌گیری و بحث

راهبردهای یادگیری متعددی برای افزایش مهارت‌های شناختی افراد وجود دارد که از میان این راهبردها، نقش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی در بهبود و ارتقا عملکرد افراد بسیار حائز اهمیت است. لذا، باید آن نوع راهبرد یادگیری که بیشتر موجب افزایش شناختی، کارایی و موفقیت افراد می‌شود را شناسایی و زمینه تقویت آن راهبرد را برای فرد فراهم نمود (وینشتاین و هیوم، ۱۹۹۸). به همین منظور، تأثیر تفاوت‌های روان‌شناختی حسابرسان در کارهای چندگانه، به درک کلی از عملکرد آنان کمک می‌کند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که فرایند تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان تا حدود زیادی با به‌کارگیری فعالیت‌ها و فرایندهای شناختی مشخص، شکل می‌گیرد. بنابراین عدم توجه به راهبردهای یادگیری حسابرسان، می‌تواند موجب محدود کردن فعالیت‌های شناختی و در نتیجه کاهش اثربخشی عملکرد آنان گردد. لذا، رفتار اطلاع‌جویی در فرایند حسابرسی بر روند جستجوی هدفمند اطلاعات تمرکز دارد که در این فرایند، حسابرسان با مشاهده نواقص و کمبود دانش خود، برای کسب اطلاعات جدید در بستر راهبردهای یادگیری به جمع‌آوری آگاهانه اطلاعات می‌پردازند (پینکاس، ۱۹۹۰).

در آزمون فرضیه فرعی اول، راهبرد یادگیری تمرین ذهنی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. یعنی با افزایش این نوع راهبرد یادگیری، کیفیت قضاوت حسابرس افزایش می‌یابد. بر اساس یافته‌های پژوهش، با توجه به این‌که این نوع راهبرد یادگیری از بیشترین ضریب مسیر برخوردار است، لذا توانایی حسابرسان با راهبرد یادگیری تمرین

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

ذهنی در تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه بیشتر از حسابرسانی است که از سایر راهبردهای یادگیری برخوردار هستند. بنابراین، حسابرسانی که از خصوصیات این نوع راهبرد یادگیری برخوردار هستند یادآوری، یادگیری و فرایند پردازش اطلاعات را از طریق مکررخوانی، تکرار مطالب کلیدی و مکررنویسی انجام می‌دهند که این ویژگی‌ها موجب می‌شود تا حسابرس تصمیم‌گیری‌های خود را با رویکرد اطلاع‌جویی در بستر اطلاعات کافی انجام دهد و در نتیجه قضاوت حرفه‌ای و کیفیت حسابرسی بهبود یابد. لذا، دستاورد این تحقیق با یافته‌های پژوهش پینکاس (۱۹۹۰)، بالکر (۲۰۰۰)، ویلر (۲۰۰۵)، کنت و همکاران (۲۰۰۶)، چن و همکاران (۲۰۱۵)، شو و همکاران (۲۰۱۶)، آنتونانزاس و لورنته (۲۰۱۷)، رسلان و همکاران (۲۰۱۷)، زیدنی و همکاران (۲۰۲۰) و اورمتزر و همکاران (۲۰۲۰) همسویی غیرمستقیم دارد و به دلیل نوآوری این پژوهش، تحقیق همانند یافت نشد. از این‌رو به دلیل ویژگی‌های راهبرد یادگیری تمرین ذهنی و این‌که راهبرد مزبور بیشترین ضریب تأثیر را بر بی‌طرفی حسابرس دارد، پیشنهاد می‌شود موسسات حسابرسی تدابیری اتخاذ کنند تا حسابرسان با این راهبرد یادگیری، برای بررسی‌های تحلیلی جهت بهبود تصمیم‌گیری‌های عاری از سوگیری‌های مثبت یا منفی و ارتقا قضاوت حرفه‌ای به‌کار گرفته شوند. همچنین، استخدام حسابرسان با راهبرد یادگیری تمرین ذهنی را در اولویت قرار دهند.

در آزمون فرضیه فرعی دوم، راهبرد یادگیری توسعه معنایی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. یعنی با افزایش این نوع راهبرد یادگیری، کیفیت قضاوت حسابرس افزایش می‌یابد. بر اساس یافته‌های پژوهش، این نوع راهبرد یادگیری بعد از راهبرد یادگیری تمرین ذهنی از بیشترین ضریب مسیر برخوردار است. لذا، توانایی حسابرسان دارای این راهبرد یادگیری در تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه بیشتر از حسابرسانی است که از سایر راهبردهای یادگیری به استثنا راهبرد یادگیری تمرین ذهنی برخوردار هستند. بنابراین، حسابرسانی که از خصوصیات این نوع راهبرد یادگیری برخوردار هستند یادآوری، یادگیری و فرایند پردازش اطلاعات را ازطریق خلاصه کردن مطالب، تحلیل روابط مطالب پیچیده و تصویرسازی ذهنی انجام می‌دهند که این ویژگی‌ها موجب می‌شود تا حسابرس تصمیم‌گیری‌های خود را با رویکرد اطلاع‌جویی در بستر اطلاعات کافی انجام دهد و در نتیجه قضاوت حرفه‌ای و کیفیت حسابرسی بهبود یابد. لذا، دستاورد این تحقیق با یافته‌های پژوهش پینکاس (۱۹۹۰)، بالکر (۲۰۰۰)، ویلر (۲۰۰۵)، کنت و همکاران (۲۰۰۶)، چن و همکاران (۲۰۱۵)، شو و همکاران (۲۰۱۶)، آنتونانزاس و لورنته (۲۰۱۷)، رسلان و همکاران (۲۰۱۷)، اورمتزر و همکاران (۲۰۲۰) و زیدنی و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت غیرمستقیم دارد و به دلیل نوآوری این پژوهش، تحقیق همانند یافت نشد. از این‌رو به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌شود به دلیل ویژگی‌های راهبرد یادگیری توسعه معنایی، حسابرسانی که از خصوصیات این راهبرد یادگیری برخوردار هستند را

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

برای تصمیم‌گیری‌های شهودی به‌کار گیرند. از آنجا که این راهبرد در رتبه دوم تأثیرگذاری بر بی‌طرفی حسابرس قرار دارد، لذا پیشنهاد می‌شود استخدام حسابرسان با این راهبرد یادگیری نیز پس از حسابرسان دارای راهبرد یادگیری تمرین ذهنی در اولویت قرار گیرند.

در آزمون فرضیه فرعی سوم، راهبرد یادگیری سازمان‌دهی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. یعنی با افزایش این نوع راهبرد یادگیری، کیفیت قضاوت حسابرس افزایش می‌یابد. بر اساس یافته‌های پژوهش، این نوع راهبرد یادگیری با توجه به ضریب مسیر در رتبه پنجم تأثیرگذاری قرار دارد. لذا توانایی حسابرسان دارای این راهبرد یادگیری در تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه فقط بیشتر از حسابرسانی است که از راهبرد یادگیری کنترل و نظارت برخوردار هستند. بنابراین، حسابرسانی که از خصوصیات این نوع راهبرد یادگیری برخوردار هستند یادآوری، یادگیری و فرایند پردازش اطلاعات را از طریق تهیه فهرست عناوین، طبقه‌بندی اطلاعات جدید و به‌کارگیری طرح درختی انجام می‌دهند که این ویژگی‌ها موجب می‌شود تا حسابرس تصمیم‌گیری‌های خود را با رویکرد اطلاع‌جویی در بستر اطلاعات کافی انجام دهد و در نتیجه قضاوت حرفه‌ای و کیفیت حسابرسی بهبود یابد. لذا، دستاورد این تحقیق با یافته‌های پژوهش پینکاس (۱۹۹۰)، بالکر (۲۰۰۰)، ویلر (۲۰۰۵)، کنت و همکاران (۲۰۰۶)، چن و همکاران (۲۰۱۵)، شو و همکاران (۲۰۱۶)، رسلان و همکاران (۲۰۱۷)، آنتونانزاس و لورنته (۲۰۱۷)، اورمتزر و همکاران (۲۰۲۰) و زیدنی و همکاران (۲۰۲۰) همسویی غیرمستقیم دارد و به دلیل نوآوری این پژوهش، تحقیق همانند یافت نشد. از این‌رو به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌شود به دلیل ویژگی‌های راهبرد یادگیری سازمان‌دهی، برای جذب حسابرسان تدابیری اتخاذ گردد تا حسابرسانی استخدام شوند که علاوه بر داشتن دانش، تخصص، تعهد و انگیزه لازم جهت فعالیت در حرفه حسابرسی، حداقل از ابعاد و مولفه‌های راهبرد یادگیری سازمان‌دهی نیز برخوردار باشند.

در آزمون فرضیه فرعی چهارم، راهبرد یادگیری برنامه‌ریزی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. یعنی با افزایش این نوع راهبرد یادگیری، کیفیت قضاوت حسابرس افزایش می‌یابد. بر اساس یافته‌های پژوهش، این نوع راهبرد یادگیری با توجه به ضریب مسیر در رتبه سوم تأثیرگذاری قرار دارد. بنابراین، حسابرسان با این نوع راهبرد یادگیری می‌توانند یادآوری، یادگیری و فرایند پردازش اطلاعات را از طریق پیش‌بینی زمان مورد نیاز برای مطالعه و تحلیل نحوه مواجهه با موضوعات انجام دهند که این ویژگی‌ها موجب می‌شود تا حسابرس تصمیم‌گیری‌های خود را با رویکرد اطلاع‌جویی در بستر اطلاعات کافی انجام دهد و در نتیجه قضاوت حرفه‌ای و کیفیت حسابرسی بهبود یابد. لذا، دستاورد این تحقیق با یافته‌های پژوهش پینکاس (۱۹۹۰)، بالکر (۲۰۰۰)، ویلر (۲۰۰۵)، کنت و همکاران (۲۰۰۶)، چن و همکاران

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

(۲۰۱۵)، شو و همکاران (۲۰۱۶)، رسلان و همکاران (۲۰۱۷)، آنتونانزاس و لورنته (۲۰۱۷)، زیدنی و همکاران (۲۰۲۰) و اورمتزر و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت غیرمستقیم دارد و به دلیل نوآوری این پژوهش، تحقیق همانند یافت نشد. از این‌رو به متولیان آموزش در حرفه حسابرسی پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌های آموزشی مناسب، خصوصیات این راهبرد یادگیری و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری‌های مناسب در بستر اطلاعات کافی به‌واسطه برنامه‌ریزی دقیق را برای حسابرسان تبیین نمایند.

در آزمون فرضیه فرعی پنجم، راهبرد یادگیری کنترل و نظارت بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. یعنی با افزایش این نوع راهبرد یادگیری، کیفیت قضاوت حسابرس افزایش می‌یابد. بر اساس یافته‌های پژوهش، این نوع راهبرد یادگیری با توجه به ضریب مسیر در رتبه آخر تأثیرگذاری قرار دارد. بنابراین، حسابرسانی که از خصوصیات این نوع راهبرد یادگیری برخوردار هستند یادآوری، یادگیری و فرایند پردازش اطلاعات را از طریق ارزیابی میزان پیشرفت و نظارت در بررسی‌ها و جستجوها انجام می‌دهند که این ویژگی‌ها موجب می‌شود تا حسابرس تصمیم‌گیری‌های خود را با رویکرد اطلاع‌جویی در بستر اطلاعات کافی انجام دهد و در نتیجه قضاوت حرفه‌ای و کیفیت حسابرسی بهبود یابد. لذا، دستاورد این تحقیق با یافته‌های پژوهش پینکاس (۱۹۹۰)، بالکر (۲۰۰۰)، ویلر (۲۰۰۵)، کنت و همکاران (۲۰۰۶)، چن و همکاران (۲۰۱۵)، شو و همکاران (۲۰۱۶)، رسلان و همکاران (۲۰۱۷)، آنتونانزاس و لورنته (۲۰۱۷)، زیدنی و همکاران (۲۰۲۰) و اورمتزر و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت غیرمستقیم دارد و به دلیل نوآوری این پژوهش، تحقیق همانند یافت نشد. از این‌رو به دلیل ویژگی‌های راهبرد یادگیری کنترل و نظارت و این‌که راهبرد مزبور در رتبه آخر تأثیرگذاری بر بی‌طرفی حسابرس قرار دارد، به متولیان آموزش در حرفه حسابرسی پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌های آموزشی مناسب و تبیین ویژگی‌های راهبرد یادگیری کنترل و نظارت، اقدامات لازم جهت تقویت و ارتقا حسابرسان دارای این نوع راهبرد یادگیری را فراهم نمایند.

در آزمون فرضیه فرعی ششم، راهبرد یادگیری نظم‌دهی بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. یعنی با افزایش این نوع راهبرد یادگیری، کیفیت قضاوت حسابرس افزایش می‌یابد. بر اساس یافته‌های پژوهش، این نوع راهبرد یادگیری با توجه به ضریب مسیر در رتبه چهارم تأثیرگذاری قرار دارد. بنابراین، حسابرسانی که از خصوصیات این نوع راهبرد یادگیری برخوردار هستند یادآوری، یادگیری و فرایند پردازش اطلاعات را از طریق نیازسنجی به تغییر راهبرد شناختی انجام می‌دهند که این ویژگی‌ها موجب می‌شود تا حسابرس تصمیم‌گیری‌های خود را با رویکرد اطلاع‌جویی در بستر اطلاعات کافی انجام دهد و در نتیجه قضاوت حرفه‌ای و کیفیت حسابرسی بهبود یابد. لذا، دستاورد این تحقیق با یافته‌های پژوهش

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

پینکاس (۱۹۹۰)، بالکر (۲۰۰۰)، ویلر (۲۰۰۵)، کنت و همکاران (۲۰۰۶)، چن و همکاران (۲۰۱۵)، شو و همکاران (۲۰۱۶)، آنتونانزاس و لورنته (۲۰۱۷)، رسلان و همکاران (۲۰۱۷)، اورمتزر و همکاران (۲۰۲۰) و زیدنی و همکاران (۲۰۲۰) همسویی غیرمستقیم دارد و به دلیل نوآوری این پژوهش، تحقیق همانند یافت نشد. از این‌رو به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد با توجه به خصوصیات راهبرد یادگیری نظم‌دهی، تدابیری اتخاذ گردد تا حسابرسانی استخدام شوند که علاوه بر داشتن دانش، تخصص و انگیزه لازم برای فعالیت در حرفه حسابرسی، حداقل از ابعاد و مولفه‌های راهبرد یادگیری نظم‌دهی نیز برخوردار باشند. همچنین، به متولیان آموزش در حرفه حسابرسی پیشنهاد می‌گردد با برگزاری کارگاه‌های آموزشی مناسب، به منظور تقویت و ارتقا حسابرسان دارای راهبرد یادگیری نظم‌دهی گام بردارند.

نتیجه آزمون فرضیه اصلی تحقیق نشان می‌دهد، راهبردهای یادگیری شناختی به روش یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. یعنی با افزایش راهبردهای یادگیری شناختی، کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابرس افزایش می‌یابد. بنابراین، فراگیری دانش فنی و ارتقا مهارت‌های حرفه‌ای از طریق راهبردهای یادگیری شناختی، بر نحوه پردازش و جمع‌آوری اطلاعات و همچنین بر ارزیابی بی-طرفانه شواهد حسابرسی تأثیر مثبت دارد. لذا، دستاورد این تحقیق به شکل غیرمستقیم با یافته-های پژوهش پینکاس (۱۹۹۰)، بالکر (۲۰۰۰)، ویلر (۲۰۰۵)، کنت و همکاران (۲۰۰۶)، چن و همکاران (۲۰۱۵)، شو و همکاران (۲۰۱۶)، آنتونانزاس و لورنته (۲۰۱۷)، رسلان و همکاران (۲۰۱۷)، اورمتزر و همکاران (۲۰۲۰) و زیدنی و همکاران (۲۰۲۰) همسویی دارد. از این‌رو به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد، در هنگام استخدام افراد از پرسش‌نامه استاندارد راهبردهای یادگیری شناختی استفاده کنند تا افراد با راهبرد یادگیری شناختی بهتر در اولویت استخدام قرار گیرند. در ضمن تدابیری اتخاذ گردد تا در ارتقا رتبه شغلی حسابرسان، علاوه بر تمرکز به مهارت‌های فنی و سایر صلاحیت‌های عمومی، نوع راهبرد یادگیری شناختی آنان نیز مورد توجه قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌گردد به منظور توانمندسازی روان‌شناختی حسابرسان جهت بررسی‌ها و کیفیت عملکرد آنان، زمینه برگزاری کارگاه‌های آموزشی مناسب جهت هدفمندتر کردن کاوش اطلاعات حسابرسان نیز فراهم گردد.

اهمیت یافته‌های تحقیق حاضر در آن است که حسابرسان در رفتار اطلاع‌جویی و پردازش اطلاعات، از راهبردهای یادگیری شناختی متفاوتی برخوردار هستند. بنابراین نتایج تحقیق نشان می‌دهد، راهبردهای یادگیری شناختی بر بی‌طرفی حسابرسان تأثیرگذار است. از این‌رو، به-کارگیری حسابرسان با نوع راهبرد یادگیری شناختی بهتر به‌منظور حداکثر رساندن کیفیت

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

حسابرسی، مورد تأکید می‌باشد. این موضوع مطابق با نظریه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دیگروت (۱۹۹۰) است.

برای انجام پژوهش‌های آتی، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد: ۱- بررسی رابطه بین راهبردهای یادگیری و تردید حرفه‌ای حسابرس. ۲- بررسی تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی بر ارزیابی ریسک حسابرسی. ۳- بررسی تأثیر آموزش راهبردهای یادگیری شناختی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان حسابداری.

۷- تقدیر و تشکر و ملاحظه‌های اخلاقی: از کلیه پاسخ‌دهندگان به سولات پرسش‌نامه که در دوران کرونا، وقت گرانبهایشان را در اختیار ما قرار دادند، صمیمانه قدردانی می‌گردد.

۸- پیوست: پرسش‌نامه‌ها

"پرسش‌نامه راهبردهای یادگیری شناختی پینتریچ و دیگروت (۱۹۹۰)"

ردیف	گویه‌های تحقیق	میزان توافق				
		۱	۲	۳	۴	۵
		تماماً ناسازگار	ناسازگار	نظری ندارم	سازگار	تماماً سازگار
۱	زمانی که موضوعی را یاد می‌گیرم، آن‌ها را با دانش قبلی خود ارتباط می‌دهم.					
۲	موقع یادگیری، بایستی مطالب را چند بار تکرار کنم.					
۳	هنگام مطالعه، نکات کلیدی متن را مشخص می‌کنم.					
۴	در محل کار، با اطلاعات و دانش قبلی حاضر می‌شوم.					
۵	سعی می‌کنم، تصور خودم را از موضوعات یادداشت کنم.					
۶	تلاش می‌کنم موضوعات یاد نگرفته را، مورد بررسی مجدد قرار دهم.					
۷	تلاش می‌کنم موضوعات مهم را، از طریق نمودار به یکدیگر مربوط کنم.					
۸	در زمان یادگیری یک مطلب، تلاش می‌کنم موضوعات را به خاطر بسپارم.					
۹	در زمان مطالعه، موضوعات را به هم ارتباط می‌دهم.					

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

۱۰	قبل از مطالعه، درخصوص موضوعاتی که موجب بهبود یادگیری می‌شود، تفکر می‌کنم.					
۱۱	بعد از مطالعه برای این که مطمئن شوم مطالب را به خوبی فهمیده‌ام، درخصوص آن مطالب از خودم سوالاتی می‌کنم.					
۱۲	تمامی موضوعات را در زمان مطالعه به شکل ساختاریافته، به‌هم ارتباط می‌دهم.					
۱۳	سعی می‌کنم آموخته‌های جدید را، در مراحل مختلف زندگی مورد استفاده قرار دهم.					
۱۴	اگر موضوعی را یاد نگیرم، تلاش می‌کنم دلیل آن را کشف کنم.					
۱۵	برای یادگیری، بایستی چندین بار آن مطلب را مطالعه کنم.					
۱۶	مقدار زمانی را که برای خواندن یک مطلب نیاز دارم را مشخص می‌کنم.					
۱۷	برای یادگیری بهتر مطالب، از مثال‌ها استفاده می‌کنم.					
۱۸	پیش از مطالعه یک کتاب، ابتدا به طور سطحی مطالب آن را در زمان کوتاهی می‌خوانم، تا یک برداشت کلی از موضوعات آن داشته باشم.					
۱۹	ذهنم را در زمان یادگیری، بر روی مطالب متمرکز می‌کنم.					
۲۰	موضوعات یاد گرفته شده را به شکل خلاصه در جدول یادداشت می‌کنم.					
۲۱	در زمان یادگیری، موضوعات دشوار را به زبان ساده می‌نویسم.					
۲۲	پاسخ مسایل را لغت به لغت به ذهن می‌سپارم.					
۲۳	در زمان یادگیری، بین موضوعات متفاوت رابطه برقرار می‌کنم.					
۲۴	هنگامی که موضوعی را برای اولین بار بررسی می‌کنم، برای بررسی بیشتر، سوالاتی را از قبل طراحی می‌کنم.					
۲۵	نحوه و سرعت یادگیری خود را در زمان مواجهه با موضوعات پیچیده، تغییر می‌دهم.					
۲۶	برای مطالعه سعی می‌کنم، مطالب کتاب را با مطالب بیان شده توسط استاد ترکیب کنم.					

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

"پرسش‌نامه بی‌طرفی اسونبرگ و اوهمن (۲۰۱۷)"

خواهشمند است بعد از مطالعه متن ذیل، به سوال مربوطه پاسخ دهید:

در حسابرسی یک شرکت سهامی بزرگ، بین حسابرس مستقل و مدیر مالی شرکت درخصوص عدم ثبت یک بدهی با اهمیت اختلاف‌نظر وجود دارد. در این‌خصوص هیچ‌گونه رهنمود و استاندارد حسابداری و حسابرسی وجود ندارد. از دیدگاه حسابرس مستقل مبلغ بدهی با اهمیت است. اما مدیر مالی شرکت با نظر حسابرس مخالف می‌باشد و معتقد است که مبلغ بدهی ثبت نشده، بی‌اهمیت می‌باشد. مدیر مالی اعتقاد دارد که نیازی به اصلاح و تعدیل صورت‌های مالی نیست. اگر شما به عنوان حسابرس مستقل شرکت باشید، احتمال آن‌که این بدهی نباید ثبت شود را از شماره ۱ (احتمال خیلی کم) تا شماره ۱۰ (احتمال خیلی زیاد) تعیین نمایید.

احتمال خیلی کم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	احتمال خیلی زیاد

فهرست منابع

امانی، کوروش؛ نیکو مرام، هاشم؛ بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۹)، عواطف فردی و تردید حرفه‌ای حسابرس، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دانشگاه خوارزمی، دوره ۵، شماره ۹، صص ۵۳-۳۵.

پیکرنگار قلعه‌رودخانی، صدیقه؛ بنی‌مهد، بهمن؛ خردیار، سینا؛ وکیلی‌فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۹)، سبک‌های تفکر و بی‌طرفی حسابرس، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۸۲-۶۹.

حیدر، مجتبی و نیکو مرام، هاشم. (۱۳۹۷)، سبک‌های تفکر و تردید حرفه‌ای در حسابرسی، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دانشگاه خوارزمی، دوره ۳، شماره ۵، صص ۱۸۵-۱۵۱.

حسینی، سید علی و رسولی، ندا. (۱۳۹۸)، قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی و اندازه‌گیری آن: مفاهیم، نظریه‌ها و چشم انداز تئوریک، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۱۶۸-۱۵۵.

سهرابی جهرمی، علی. (۱۳۹۰)، تأثیر روش‌های حسابرسی درخصوص قضاوت در مورد صورت‌های مالی واحدهای تجاری، دانش حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۴۵، صص ۱۲۶-۱۰۴.

سیف، علی اکبر. (۱۳۹۰)، روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران: انتشارات دوران.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

سعیدی‌پور، بهمن و معیرمعینی، فاطمه‌سادات. (۱۳۹۳)، تأثیر آموزش مولفه‌های یادگیری خودگردان بر اساس مدل یادگیری شناختی پینتریچ بر ارزش‌گذاری درونی، فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۶۴-۵۳.

شکری، امید؛ کدیور، پروین؛ فرزاد، ولی‌اله؛ دانش‌پور، زهره. (۱۳۸۵)، همبستگی راهبردهای یادگیری و سبک‌های تفکر با موفقیت تحصیلی دانشجویان، فصلنامه تازه‌های علوم اجتماعی، دوره ۸، شماره۲، صص ۵۲-۴۴.

عابدی، صمد؛ سعیدی‌پور، بهمن؛ صیف، محمدحسن؛ فرج‌اللهی، مهران. (۱۳۹۴)، مدل علی پیش‌بینی راهبردهای یادگیری خودتنظیمی دانشجویان پیام‌نور، فصلنامه آموزش و ارزشیابی، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۳۹-۱۹.

کواروپی، رعنا؛ مومنی، عصمت؛ حاجی زین‌العابدینی، محسن. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه راهبردهای یادگیری و فرایادگیری با رفتار اطلاع‌جویی، فصلنامه مطالعات دانش‌شناسی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۷۸-۵۹.

مرادی، مهدی؛ باقرپور والاشانی، محمد علی؛ زمانی، رضا؛ شفیعی، مهین. (۱۳۹۸)، تأثیر توانمندسازی روان‌شناختی بر خاتمه دادن زودهنگام رویه‌ها و کم‌گزارش‌دهی زمان کار حسابرسی، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دانشگاه خوارزمی، دوره ۴، شماره ۷، صص ۲۲-۱.

هومن، حیدر علی. (۱۳۹۵)، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل (با اصلاحات)، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.

Antonanzas, J. L., and R. Lorente. 2017. Study of learning strategies and cognitive capacities in hearing and non-hearing pupils. Procedia-Social and Behavioral Sciences 237: 1196-1200.

Anderson, N. J. 2002. The role of metacognition in second Language Teaching and Learning. Eric Digest, Brigham Young University.

Balkir, I. 2000. Effect of Analytical Review Results, Optimism, and Pattern for Coping on Audit Effort of Acco.

Brasel, K. R., R. C. Hatfield, E. B. Nickell, and L. M. Parsons. 2019. The Effect of Fraud Risk Assessment Frequency and Fraud Inquiry Timing on Auditors Skeptical Judgments and Actions. Accounting Horizons 33 (1): 1-15.

Berger, J. L., and S. A. Karabenick. 2011. Motivation and students' use of learning strategies: Evidence of unidirectional effects in mathematics classrooms. learning and Instruction 21 (3): 416-428.

Chin, w. w. 1998. Issues and opinion on structural equation modeling. MIS Quarterly 22 (1): vii-xvi.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

Cole, J., T. K. Logan, and, R. Walker. 2011. Social exclusion, personal control, self-regulation, and stress among substance Abuse Treatment clients. drug and Alcohol Dependence 113 (1): 13- 20.

Chen, M. H., Y. Y. Chang, and Y. H. Lo. 2015. Creativity cognitive style, conflict, and career success for creative entrepreneurs. Journal of Business Research 68 (4): 906-910.

Chung, J., J. Cohen, and G. S. Monroe. 2008. The effect of moods on auditors' inventory valuation decisions. Auditing: A Journal of Practice & Theory 27 (2): 137–159.

Duff, A. 2004. The Role of Cognitive Learning Styles in Accounting Education: Developing Learning Competencies. Journal of Accounting Education 22 (1): 29-52.

Dembo, M. H. 2002. Applying Educational Psychology. (5thed), New York: Longman.

Ellis, H. C., and R. R. Hunt. 2003. Fundamentals of cognitive psychology. V.S: brows & benchmark (WCB) publishers.

Feral, J., M. Valcke, and G. Schuyten. 2009. Student model of learning and their impact on study strategies. Journal of Society for Research in Higher Education 34 (2):185-202.

Fuller, L. R., and S. E. Kaplan. 2004. A note about the effect of auditor cognitive style on task performance. Behavioral Research in Accounting 16: 131-143.

Fjodorowa, O. 2013. A Proposal to Increase Auditor Independence in Fact and in Appearance. http://www.academia.edu.

Glover, S. M., and D. F. Prawitt. 2014. Enhancing Auditor Professional Skepticism: The Professional Skepticism Continuum. Current Issues in Auditing 2 (8):1-16.

Hunt, R. R., and H. C. Ellis. 2003. Fundamentals of Cognitive Psychology. 7th Edition, V.S: brows & benchmark (WCB) publishers.

Kent, P., L. Munro, and T. Gambling. 2006. Psychological characteristics contributing to expertise in audit judgment. International Journal of Auditing 10 (2): 125-141.

Lefrancois, G. R. 1997. Psychology for Teaching. Wadsworth, International Edition.

Leins, J. E. 2011. Self-regulated strategy instruction with the Self-regulated micro-analytic assessment and attribution training in high school students with learning disabilities. (Unpublished master's thesis). George mason Nour University, Fairfax, us.

McGhee, W., M. D. Shields, and J. G. Bingberg. 1978. The Effect of Personality on Subjects Information Processing. The Accounting Review 55 (3): 681-697.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]

[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

Margunayasa, I. G., N. Dantes, A. Marhaeni, and I. W. Sumatra. 2019. The Effect of Guided Inquiry Learning and Cognitive Style on Science Learning Achievement. International Journal of Instruction 12 (1): 737-750.

Ott, R. L., M. H. Mann, and C. T. Moores. 1990. An empirical investigation into the interactive effects of student personality traits and method of instruction (Lecture or CAI) on student performance in elementary accounting. Journal of Accounting Education 8 (1): 17-35.

Pincus, K. V. 1990. Auditor individual differences and fairness of presentation judgments auditing. A Journal of Practice & Theory 9 (3): 150-166.

Phan, H. P. 2010. Critical thinking as a self-regulatory process component in teaching and learning. Psicothema 22 (2): 284- 920.

Pintrich, P. R., and E.V. DeGroot. 1990. Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. Journal of Educational Psychology 82 (1): 33-40.

Raslan, I., M. Hegazy, and M, K. Eldawla. 2017. Quality Control Elements and Auditor Fraud Risk Assessment: An Experimental Study. Journal of Accounting and Finance 16 (2): 157-178.

Reurink, A. 2018. Financial fraud: A literature review. Journal of Economic Surveys 32 (5): 1292-1325.

Rayner, S., and R. Riding. 1997. Towards a Categorization of Cognitive Styles and Learning Styles. Educational Psychology 17 (2): 5-27.

Svanberg, J., and P. Ohman. 2017. Does Charismatic Client Leadership Constrain treatment of opportunity costs in resource allocation decisions. Accounting, Organizations, and Society 16: 27-46.

Shue, C. L., M. S. Jau, B. T. Sang, L. L. Tzu, and D. Weiwei. 2016. A Comprehensive Survey of Government Auditors Self-Efficacy and Professional Development for Improving Audit Quality. Springer Plus 5: 1263.

Stromback, C., L. Therese, S. Kenny, and T. Gusta. 2017. Does self- control predict financial behavior and financial well-being? Journal of Behavioral and Experimental Finance 14 (3): 30-38.

Tang, S., S. Huang, J. Zhu, R. Huang, Z. Tang, and J. Hu. 2019. Financial self-efficacy and disposition effect in investors: The mediating role of versatile cognitive style. https://doi.org/۱۰.۳۳۸۹/fpsyg.۲۰۱۸.۰۲۷۰۵, page 6.

Urmetzer, S., J. Lask, R. Vargas-Carpintero, and A. Pyka. 2020. Learning to change: Transformative knowledge for building a sustainable bioeconomy. Ecological Economics 167 (1): 106-135.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]
[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]

Weiler, A. 2005. Information-seeking behavior in Generation Y students: Motivation, critical thinking, and learning theory. The Journal of Academic Librarianship 31 (1): 46-53.

Weinstein, C. E., and R. E. Mayer. 1986. the teaching of learning strategies, In M. Wittrock (Ed.). The handbook of Research on Teaching. New York: Macmillan: 315-327.

Weinstein, C. E., and L. M. Hume. 1998. Study strategies for lifelong learning (Psychology in the Classroom). (1st Edition), Washington D.C: American psychology Association.

Zydney, J. M., Z. Warner, and L. Angelone. 2020. Learning through experience: Using design-based research to redesign protocols for blended synchronous learning environments. Computers & Education 143 (1): 103- 125.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1400.6.11.4.7]

[DOI: 10.52547/aapc.6.11.123]